

سبجس تختین سطح از تفکر انتقادی در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی: «بیان کردن به شکل دیگر»

زهرامرادی نجف‌آبادی، مریم محسن‌پور^{۱*} و علیرضا کانیان^۲

چکیده

با توجه به اهمیت تفکر انتقادی به عنوان یکی از بازده‌های مهم نظام آموزش عالی، سنجش این مهارت شناختی در میان دانشجویان می‌تواند اطلاعات ارزشمندی را فراهم کند. بنابراین، هدف پژوهش حاضر، سنجش بیان کردن به شکل دیگر به عنوان سطح نخست از تفکر انتقادی بر مبنای چارچوب پل و الدر (۲۰۱۲) در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته روان‌شناسی تربیتی بود. این پژوهش با رویکرد کیفی و با روش پدیدارنگاری انجام شد. ۱۵ شرکت‌کننده از میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته روان‌شناسی تربیتی دانشگاه الزهراء (س) در سه گروه تحصیلی سال اول، سال دوم و فارغ‌التحصیلان در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ برحسب تمایل داوطلبانه آن‌ها به همکاری، سنجش شدند. در این پژوهش از دانشجویان خواسته شد تا بخشی از متن کتاب «هنر عشق‌ورزیدن» را بخوانند و متن مذکور را با کلمات و عبارات خود بیان کنند. اطلاعات گردآوری شده در دو بخش پاسخ‌های نوشتاری و اظهارنظر مصاحبه‌شوندگان، بر اساس روش تحلیل محتوای مضمون‌واکوی شد. یافته‌های پژوهش شامل شش ویژگی مربوط به پاسخ‌های نوشتاری شامل تغییر ساختار جمله، معنا کردن واژه، تکرار کردن جمله، تغییر دادن معنای جمله، توضیح دادن جمله و حذف کردن عبارت یا جمله و سه ویژگی مربوط به فرایند مصاحبه شامل ترجمه کردن با توجه به احساسات فرد، عدم توجه به ارتباط بین بندها و نقد کردن استخراج شد. بر مبنای یافته‌های به‌دست آمده، شرکت‌کنندگان ضعف عمده‌ای در مهارت بیان کردن به شکل دیگر داشتند. لذا توصیه می‌شود در راستای آموزش این مهارت و تعیین معیارهایی برای پرورش آن گام برداشت.

کلید واژه‌ها: بیان کردن به شکل دیگر، تفکر انتقادی، سنجش در آموزش عالی، دانشجویان تحصیلات تکمیلی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران
Zahramoradi710@yahoo.com

۲. * نویسنده مسئول: استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران
m.mohsenpour@alzahra.ac.ir

۳. استاد گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
drarkia@gmail.com

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است.

مقدمه

انسان ذاتاً موجودی متفکر است و هر انسانی به طور طبیعی فکر می‌کند. نکته توجیه‌برانگیز آن است که قسمت وسیعی از تفکر انسان اگر به حال خود رها شود، متعصبانه، تحریف‌شده، جانبدارانه و پیش‌داورانه خواهد بود، لذا تعالی فکری^۱ چیزی است که باید آن را به طور نظامند پرورش داد (پل و الدر^۲، ۲۰۰۸). در این میان شیوه خاصی از تفکر، که به‌زعم فاشیون^۳ (۲۰۱۵) به معنای خوب فکر کردن^۴ بوده و تقریباً مخالف با تفکر غیرمنطقی و نامعقول است، تحت عنوان تفکر انتقادی^۵ مطرح می‌شود. تفکر انتقادی دارای مفهومی غنی است که طی ۲۵۰۰ سال گذشته توسعه یافته است (پل، الدر و برتل^۶، ۱۹۹۷). اصطلاح تفکر انتقادی، به عنوان یک فعالیت شناختی مرتبط با استفاده از ذهن است که با توسعه مهارت‌های فردی متفکر، مانند استدلال منطقی و قضاوت شخصی همراه است (پدمنابا^۷، ۲۰۱۸). با توجه به وجود چنین کارکردی هنوز هم راجع به تعریف تفکر انتقادی و مهارت‌های مشتعل بر آن اجماع و توافق نظر وجود ندارد (لای^۸، ۲۰۱۱). بر همین اساس تفکر انتقادی به صورت‌های مختلف تعریف شده است که در ادامه به برجسته‌ترین تعاریف اشاره شده است.

به عنوان نمونه، از نظر فاشیون (۱۹۹۰)، «تفکر انتقادی، قضاوتی هدفمند و خودتنظیمی است که حاصل تفسیر، تحلیل، ارزیابی، استنتاج و همچنین توصیف و بررسی‌های شواهد، مفاهیم، روش‌شناختی یا بافتی است که قضاوت بر اساس آن‌ها صورت می‌گیرد» (فاشیون، ۱۹۹۰: ۳). همچنین طبق دیدگاه انیس^۹ (۱۹۹۳)، تفکر انتقادی، تفکری مستدل و تأملی، که بر تصمیم‌گیری نسبت به آنچه باور می‌کنیم یا انجام می‌دهیم، متمرکز می‌شود. از سوی هالپرن^{۱۰} (۲۰۰۳)، معتقد است که «تفکر انتقادی، استفاده از آن مهارت‌های شناختی یا راهبردهایی است

1. Excellence in Thought
2. Paul and Elder
3. Facione
4. good thinking
5. Critical Thinking
6. Bartell
7. Padmanabha
8. Lai
9. Ennis
10. Halpern

که احتمال بازده مطلوب^۱ را افزایش می‌دهد و آن برای توصیف تفکری که هدفمند، منطقی و با مقصود هدایت‌شده است به کار می‌رود» (هالپرن، ۲۰۰۳: ۶). در نهایت از نظر پل و الدر (۲۰۰۸)، تفکر انتقادی، در یک نگاه «هنر تجزیه و تحلیل و ارزیابی تفکر به منظور بهبود بخشیدن به آن است و در نگاهی دیگر اندیشیدن خود هدایت‌گر، خودانضباط‌بخش، خودنظارت‌گر و خودتصحیح‌گر است که نیاز به وضع کردن استانداردهای دقیق و نظارت بر کاربرد آن‌ها دارد» (پل و الدر، ۲۰۰۸: ۲).

در عصر حاضر به اهمیت تفکر انتقادی و کاربرد آن، در هر یک از ابعاد زندگی اعم از تصمیم‌گیری‌های کلیدی، سیاست‌گذاری‌ها، روابط شخصی، باورها و ارزش‌ها، مسائل شخصی، مسائل مالی، مسئولیت‌ها و غیره توجه شده است (پل و الدر، ۲۰۱۴). چرا که تفکر انتقادی به عنوان یک پیش‌بینی‌کننده قوی رخدادها و بازده‌های جهان واقعی محسوب می‌شود (باتلر، پنتونی و بان^۲، ۲۰۱۷). قابل توجه است که یکی از حوزه‌هایی که اهمیت تفکر انتقادی به خوبی در آن نمایان است، حوزه آموزش رسمی و به خصوص نظام آموزش عالی است. به نحوی که طبق نظر لیو، فرانکل و روهر^۳ (۲۰۱۴)، تفکر انتقادی به عنوان مهم‌ترین مهارت‌اکتسابی برای فارغ‌التحصیلان کالج در نظر گرفته می‌شود. در همین راستا بهبود توانایی‌های دانشجویان برای پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی به عنوان مسأله‌ای بسیار مهم در آموزش عالی شناخته شده است و مربیان نیز معتقدند که تفکر تأملی، انتقادی نوعی از استدلال سطح بالاتر^۴ است که برای موفقیت تحصیلی دانشجویان در آموزش عالی ضروری است (پروتی^۵، ۲۰۱۶).

در دهه‌های اخیر، به تفکر انتقادی به عنوان یکی از اهداف نظام آموزش عالی در قاره‌های مختلف توجه شده است. به نحوی که در ایالت متحده، تفکر انتقادی از سوی کمیته اهداف آموزش ملی^۶ (۱۹۹۱) توجه گسترده‌ای را به خود جلب کرده و آن‌ها وجود فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که دانش پایه گسترده و مهارت‌های تفکر انتقادی قوی را دارند، برای جامعه و حتی

-
1. Desirable Outcome
 2. Butler, Pentoney and Bong
 3. Liu, Frankel and Roohr
 4. Higher – Level reasoning
 5. Parrouuty
 6. National Education Goals Panel

اقتصاد جهانی قوی لازم می‌دانند و به واقع یکی از اهداف آموزشی که آن‌ها برای سال ۲۰۰۰ و فراتر از آن تعیین کرده بودند، این بود که سهم یا نسبت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که توانایی پیشرفته‌ای برای فکر کردن به طور انتقادی، ارتباط مؤثر و حل مسأله را نشان می‌دهند، به میزان جالب توجهی افزایش یابد (به نقل از هالپرن، ۲۰۰۳). همچنین در سیستم مطالعات اروپایی، توجه به تفکر انتقادی به عنوان یک هدف در اظهارنامه بولونیا^۱ خود را نشان داده است که تلاش می‌کند دانشجویان را برای استقلال، علم و در نهایت تفکر انتقادی آماده کند (گاجکاو، استوجنویک و راجیک^۲، ۲۰۱۵). براساس نظر انجمن دانشگاه‌ها و کالج‌های امریکا^۳ (۲۰۱۷)، تفکر انتقادی به عنوان یک بازده یادگیری^۴ خاص حوزه مهارت‌های ذهنی و عملی است. بر طبق نظرسنجی به دست آمده از مؤسسات عضو انجمن دانشگاه‌ها و کالج‌های امریکا، ۷۰ درصد از این مؤسسات پیشرفت دانشجویان را از طریق بازده‌های یادگیری متداول پیگیری کرده‌اند (انجمن تحقیقاتی هارت^۵، ۲۰۱۶).

در نظام آموزش عالی ایران نیز، برای برخی رشته‌های تخصصی، تأکید بر آموزش و سنجش تفکر انتقادی وجود دارد. به عنوان نمونه، در «استانداردهای ملی دوره پزشکی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶)» در برنامه مربوط به پذیرش و انتخاب دانشجویان جدیدالورود به توانمندی‌های عمومی لازم برای عملکرد مناسب در حرفه پزشکی اشاره شده است و یکی از این توانمندی‌ها شامل مهارت‌های تفکر نقادانه، تصمیم‌گیری و مهارت‌های استدلال منطقی است» (استانداردهای ملی دوره پزشکی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶: ۱۴). می‌توان گفت، از آنجایی که تعیین کیفیت در نظام آموزش عالی ضروری است، لذا با استفاده از نتایج سنجش مناسب تفکر انتقادی می‌توان به ترسیم برنامه‌های آموزشی شامل اصلاح یا حتی تغییر برنامه درسی، به منظور اعتلای تفکر انتقادی دانشجویان گام برداشت.

پیشینه پژوهش‌ها در حوزه سنجش تفکر انتقادی به عنوان یک بازده یادگیری در آموزش عالی ایران نشان می‌دهد که مهارت تفکر انتقادی دانشجویان اغلب به روش کمی و با استفاده

1. Bologna Declaration

2. Gojkov, Stojanovic and Rojic

3. Association of American Colleges and Universities (AAC&U)

۴. بازده‌های یادگیری اساسی شامل چهار حوزه کلی، دانش فرهنگ‌های انسانی و جهان طبیعی و فیزیکی، مهارت‌های ذهنی و عملی، مسئولیت شخصی و اجتماعی و یادگیری جامع و کاربردی است.

5. Hart Research Associates

از ابزارهای استاندارد شده‌ای مانند آزمون مهارت تفکر انتقادی کالیفرنیا^۱ (۱۹۹۰)، آزمون تفکر انتقادی پیترهونی^۲ (۲۰۰۰) و آزمون تفکر انتقادی واتسون- گلیزر^۳ (۲۰۰۸) سنجش شده است (جاویدی کلاته-جعفرآبادی و عبدلی، ۱۳۸۹؛ خدامرادی و همکاران، ۱۳۹۰؛ معلائی مزرعی، رسولی آزاد و مکوندی، ۱۳۹۲؛ هاشمی، صالحی عمران و کرمخانی، ۱۳۹۳؛ ولوی، باقرپور و شهبسوار، ۱۳۹۵؛ فهیم و کمیجانی، ۲۰۱۰؛ زارعی و حق‌گو، ۲۰۱۲؛ فرامرزی، الکایی و تبریزی، ۲۰۱۶).

در بین پژوهش‌های فوق‌الذکر به عنوان نمونه، جاویدی کلاته-جعفرآبادی و عبدلی (۱۳۸۹)، در مطالعه‌ای، چگونگی روند تحول تفکر انتقادی در ۱۴۴ نفر از دانشجویان سال اول و سال چهارم مقطع کارشناسی دانشگاه فردوسی مشهد با استفاده از ابزار تفکر انتقادی واتسون- گلیزر بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد که بین میانگین نمرات تفکر انتقادی دانشجویان سال اول و سال چهارم تفاوت معناداری وجود دارد و البته میانگین کلی نمرات تفکر انتقادی دانشجویان سال اول و چهارم با توجه به استانداردهای گزارش شده، نیز در حد ضعیف ارزیابی شده بود. همچنین ولوی، باقرپور و شهبسوار (۱۳۹۵) نیز تفکر انتقادی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه، با استفاده از پرسشنامه کالیفرنیا فرم (ب) بر روی ۱۷۲ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز بررسی کردند که در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ واحدهای درسی خود را گذرانده بودند. یافته‌ها نشان داد که مهارت‌های تفکر انتقادی در دانشجویان مورد مطالعه پایین است.

همچنین از دیگر ابزار مورد استفاده در زمینه تفکر انتقادی، پرسشنامه تفکر انتقادی پیترهونی (۲۰۰۰) است، که عمدتاً در پژوهش‌هایی در میان دانشجویان رشته زبان انگلیسی استفاده شده است. فهیم و کمیجانی (۲۰۱۰) مطالعه‌ای را با هدف شناسایی رابطه معنادار بین توانایی تفکر انتقادی، دانش لغوی زبان دوم^۴ و راهبردهای یادگیری لغات زبان دوم مربوط به یادگیرندگان زبان انگلیسی ایرانی را در میان ۵۰ نفر از این یادگیرندگان انجام دادند. نتایج نشان داد که دانش لغوی یادگیرندگان و توانایی تفکر انتقادی آن‌ها به طور معناداری با هم همبستگی

-
1. California Critical Thinking Skills test (CCTST)
 2. Peter Honey
 3. Watson- Glaser Critical Thinking test (WGCTT)
 4. Second- language (L2)

داشتند. به علاوه، زارعی و حق‌گو (۲۰۱۲)، در تحقیقی که با شرکت ۱۵۰ نفر از دانشجویان ایرانی انجام شد، رابطه بین تفکر انتقادی و میزان دانش دستور زبان و دانش لغوی این دانشجویان را مطالعه کردند. نتایج نشان داد که همبستگی معناداری بین سطح مهارت تفکر انتقادی دانشجویان و میزان دانش دستوری و لغوی دانشجویان وجود ندارد. همچنین، فرامرزی، الکایی و تبریزی (۲۰۱۶) نیز پژوهشی را به منظور شناسایی رابطه بین تفکر انتقادی، خودمختاری و دانش لغوی در ۱۱۴ یادگیرنده زن و مرد انجام دادند که زبان انگلیسی را به عنوان یک زبان خارجی یاد گرفتند؛ نتایج نشان داد که یادگیرندگان با سطح توانایی تفکر انتقادی بالا، دانش لغوی بالایی داشتند. علاوه بر این یک سطح مناسب از دانش لغوی یک جز کلیدی از فهم و درک است و اساس بسیار مهمی برای بیان کردن به شکل دیگر است.

در مجموع مرور پیشینه‌ها در حوزه تفکر انتقادی نشان می‌دهد که عمدتاً پژوهش‌های انجام شده در این حوزه با رویکرد کمی صورت گرفته و آزمون‌های تفکر انتقادی به کار برده شده اغلب دارای ساختار چندگزینه‌ای بوده‌اند. از دیدگاه کو^۱ (۲۰۰۹)، این آزمون‌ها استدلال اساسی آزمون‌دهنده را برای انتخاب یک جواب خاص آشکار نمی‌کنند و توانایی آزمون‌دهنده را برای تفکر انتقادی تحت موقعیت‌های بحرانی منعکس نمی‌کنند. همچنین طبق نظر بلاچ و وایز^۲ (۲۰۱۱)، نمرات به دست آمده از آزمون‌های استاندارد شده، همیشه نمی‌تواند شاخص مناسبی برای تعیین میزان تفکر انتقادی افراد باشد. به نحو کلی توانایی افراد برای ساختن و ایجاد کردن پاسخ در چنین آزمون‌هایی سنجش نمی‌شود. علاوه بر این نمره‌گذاری‌ها به منظور ترسیم وضعیت کلی این مهارت بوده است و در بیان نقاط قوت و ضعف افراد به طور عمیق شواهدی را ارائه نمی‌دهد.

از آنجا که پژوهش‌های داخلی در زمینه سنجش تفکر انتقادی اغلب با به‌کارگیری رویکرد کمی و در میان دانشجویان کارشناسی رشته‌های پزشکی و زبان انگلیسی است. بنابراین، مطالعه حاضر، با رویکردی کیفی به سنجش نخستین سطح از تفکر انتقادی یعنی بیان کردن به شکل دیگر در حوزه علوم تربیتی به طور خاص دانشجویان رشته روان‌شناسی تربیتی تحصیلات تکمیلی دانشگاه الزهراء(س) در سه گروه تحصیلی سال اول، سال دوم و فارغ‌التحصیلان، با

1. ku

2. Blauch and Wise

استفاده از ابزار برگرفته از چارچوب پل و الدر (۲۰۱۲) انجام شد. این ابزار بر مبنای الگوی پنج سطحی^۱ پل و الدر شامل بیان کردن به شکل دیگر^۲، توضیح دادن^۳، تجزیه و تحلیل کردن^۴، ارزیابی کردن^۵ و ایفای نقش^۶ (صحبت کردن با صدای یک نویسنده^۷) است که از سوی دو صاحب نظر برجسته حوزه تفکر انتقادی پل^۸ و الدر تدوین شده است. از جمله دلایل و استدلال‌های مستند برای این گزینش، که نظرات ریید^۹ (۱۹۹۸) نیز بر آن صحنه می‌گذارد، می‌توان به مواردی از قبیل دارا بودن پایه نظری غنی، انعطاف‌پذیری از حیث قابلیت کاربرد آن برای دامنه وسیعی از شرایط که نیازمند استدلال خوب است، خودداری آن در استفاده از اصطلاحات تخصصی، گنجاندن استانداردها و گرایش‌ها و نوین بودن آن اشاره کرد.

روش

پژوهش حاضر، با رویکرد کیفی و از لحاظ نوع هدف کاربردی و به لحاظ ماهیت کلی مبتنی بر رویکرد توصیفی و تحلیلی است. همچنین از حیث روش، در زمره طرح‌های پدیدارنگاری^{۱۰} است. پدیدارنگاری، روش پژوهشی برای نگاشت شیوه‌های مختلف کیفی در تجربه، مفهوم‌سازی، دریافت افراد و درک جنبه‌های مختلف از یک پدیده در جهان اطرافشان است که برای پاسخ به سؤالات خاصی در مورد تفکر و یادگیری طراحی شده است (مارتون^{۱۱}، ۱۹۸۶). همچنین از نظر گال، بورگ و گال^{۱۲} (۲۰۰۵) این روش پژوهشی را می‌توان برای بررسی طرز فکر افراد و تحول در تفکر آن‌ها که در نتیجه آموزش رخ داده، استفاده کرد (ترجمه

۱. با توجه به حجم بالای مطالب، این نوشتار به یافته‌های حاصل از سنجش سطح اول از سازه تفکر انتقادی پرداخته و سطوح دیگر از این سازه در مقالات دیگری ارائه شده است.

2. Paraphrasing
3. Explicating
4. Analysis
5. Evaluating
6. Role - playing
7. Speaking in the voice of an author

۸. ریچارد پل به عنوان رهبر آموزشی، رئیس مرکز تفکر انتقادی و رهبر شورای ملی تعالی تفکر انتقادی در کالیفرنیا بود.

9. Reed
10. Phenomenography
11. Marton
12. Gall, borg and gall

نصراصفهانی و همکاران، ۱۳۹۴). از آنجا که این پژوهش به دنبال توصیف ادراک دانشجویان تحصیلات تکمیلی در زمینه تفکر انتقادی است، پدیدارنگاری به عنوان روش پژوهش انتخاب شد.

شرکت‌کنندگان در این پژوهش، دانشجویان از سه گروه تحصیلی سال اول، سال دوم و فارغ‌التحصیلان رشته روان‌شناسی تربیتی دوره کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهرا (س) در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۹۸ بودند. تعداد ۱۵ نفر^۱ از کل دانشجویان، با احتساب پنج نفر از هر گروه تحصیلی، برحسب تمایل داوطلبانه آنها برای همکاری و مشارکت در پژوهش سنجش شدند. به منظور انجام فرایند اجرا، در وهله نخست امکانات، تجهیزات و فضای مناسب فراهم شد. محقق نیز به برقراری ارتباط صمیمانه و کسب اطلاع و آگاهی از مشخصات جمعیت‌شناختی افراد مصاحبه‌شونده اقدام کرد. سپس افراد مصاحبه‌شونده را در جریان موضوع و هدف پژوهش قرار داد (لازم به ذکر است در شروع فرایند اجرا، مصاحبه‌شوندگان در جریان ضبط کردن صدا و اطلاعاتشان قرار گرفتند و محقق پس از کسب اجازه و ایجاد اطمینان خاطر در خصوص عدم افشا و محرمانه ماندن اطلاعات شخصی آنها، فرایند اجرا را ادامه داد. در رابطه با زمان پاسخ‌گویی نیز به افراد توضیح داده شد که پاسخ‌گویی به هر یک از سؤالات، دارای محدودیت زمانی نبوده تا از این طریق بتوانند با دقت تمام بر مطالب ارائه شده در هر سطح تأمل کنند).

همان‌طور که پیشتر اشاره شده، برای سنجش تفکر انتقادی، از ابزار بین‌المللی تفکر انتقادی پل و الدر (۲۰۱۲) استفاده شد که پس از دستیابی به کتاب^۲، محتوای سؤالات ابزار تفکر انتقادی در سه مرحله ترجمه و ویرایش شد که در رابطه با صحت و سقم محتوای ترجمه، اصلاحات لازم توسط متخصصان این حوزه اعمال شد و از متخصص حوزه زبان نیز استفاده شد. علاوه بر این به منظور برطرف کردن هرگونه ابهام و خطا در صورت سؤال‌ها، بعد از فرایند ترجمه به منظور بررسی شفافیت و گویایی سؤالات، ابزار در اختیار تعدادی از دانشجویان دوره ارشد قرار گرفت.

۱. از آنجا که نمونه پژوهش شامل ۱۵ نفر بود، کدهای یک تا ۱۵ برای افراد مصاحبه‌شونده در نظر گرفته شد و به منظور تمایز ۳ سال تحصیلی اندیس‌های الف، ب و ج که به ترتیب بیانگر سه سال تحصیلی (اول، دوم و فارغ-التحصیل) بوده، در زیر شماره افراد قرار داده شد.
۲. کتاب محتوای ابزار تفکر انتقادی از طریق سایت بنیاد تفکر انتقادی خریداری شد.

پاسخ‌گویی به هر یک از سؤالات سطح نخست از تفکر انتقادی، بر مبنای بخشی از کتاب تحت عنوان «هنر عشق‌ورزیدن» (اثر اریک فروم^۱ سال ۱۹۵۶) انتخاب شده توسط پل و الدر (۲۰۱۲) بود. از جمله دلایل انتخاب این متن، مواردی مانند: جذابیت موضوعی و مرتبط بودن آن با حوزه روان‌شناسی (از جهت محتوایی) و دارا بودن نمونه پاسخ مناسب و مبتنی بودن بر چارچوب نظری پل و الدر (۲۰۱۲) است. محتوا و سؤالات این ابزار در پنج سطح بیان کردن به شکل دیگر، توضیح دادن موضوع متن، تجزیه و تحلیل منطق متن، ارزیابی منطق متن و ایفای نقش نویسنده بر مبنای یک ساختار سلسله‌مراتبی از مقدماتی تا پیشرفته قرار دارد که محتوا و دستورالعمل سطح نخست بدین‌گونه بود:

بیان کردن به شکل دیگر جمله به جمله متن (سطح اول تفکر انتقادی) (دستورالعمل: معنای هر جمله‌ای را که خواندید، به زبان خودتان بیان کنید. جملات ارائه شده در این قسمت، بر طبق متن هنر عشق‌ورزیدن، که در ابزار خواندن بین‌المللی تفکر انتقادی پل و الدر (۲۰۱۲) در قالب ۱۱ بند بیان شده بود، قرار گرفته است که افراد آن را خوانده و به زبان خودشان بدون تغییر مفهوم و تفسیر آن به شکل دیگر بیان می‌کردند. باید خاطر نشان کرد که به‌منظور دستیابی عمیق و دقیق به چگونگی نحوه تأمل مصاحبه‌شوندگان، در حین فرایند پاسخ‌گویی به سؤالات نیز از اظهارات آن‌ها در فرایند مصاحبه استفاده شد. در نهایت با دریافت نقطه‌نظرات و پیشنهادات، فرایند مصاحبه خاتمه یافت. تحلیل و تفسیر داده‌های گردآوری شده با استفاده از روش تحلیل محتوای مضمون^۲ انجام شد. تحلیل محتوای مضمونی، یکی از روش‌های تحلیل محتواست که با تحلیل مضمون در شناخت مضامین مشترک داده‌ها، مشابهت دارد. اما پژوهشگر براساس معرفت‌شناسی عینیت‌گرا، آن را به کار می‌گیرد. در تحلیل محتوای مضمونی، برخلاف تحلیل مضمون، از تفسیر در کمترین حد ممکن استفاده و صرفاً از آن برای نامگذاری و گروه‌بندی مضامین استفاده می‌شود. تحلیل محتوای مضمونی، بیشتر تحلیل توصیفی است در حالی که تحلیل مضمون، تحلیل تفسیری است (آندرسون^۳، ۲۰۰۷؛ به نقل از عابدی جعفری؛ تسلیمی؛ فقیهی و شیخ‌زاده، ۱۳۹۰). گام‌های انجام شده به‌منظور تحلیل متشکل

-
1. Erich Fromm
 2. Thematic Content Analysis
 3. Anderson



از: گام اول، پیاده‌سازی متن مصاحبه بر روی کاغذ و نیز جمع‌آوری پاسخ‌های نوشتاری هر یک از افراد شرکت‌کننده به تمام بندهای موجود در این سطح، که تمامی اطلاعات بررسی شدند. در گام دوم، کل پاسخ‌های افراد اعم از نوشتاری و پاسخ‌هایی که مرتبط با فرایند مصاحبه بود، به طور دقیق خوانده شد و طی چندین مرتبه مرور و بازخوانی شدند تا نهایتاً درک کلی از پاسخ‌ها حاصل شود. در گام سوم، تعریف واحد تحلیل است که بر مبنای اطلاعات به دست آمده از پاسخ‌های نوشتاری هر یک از ۱۵ شرکت‌کننده به سطح اول تفکر انتقادی که شامل ۱۱ بند موجود در بیان کردن به شکل دیگر بود، این پاسخ‌ها با یکدیگر مقایسه و تطبیق داده شد تا شباهت‌ها و تفاوت‌ها شناخته شوند و این فرایند تا جایی ادامه یافت که نکته جدیدی به عنوان یک ویژگی جدید از مقایسه پاسخ‌ها حاصل نشود. (لازم به ذکر است واحد تحلیل شامل پاسخ‌های مبنی بر فرایند مصاحبه نیز است). در گام چهارم، نهایتاً تکوین ویژگی‌ها مطرح است، بدین گونه که ویژگی‌هایی بر مبنای شباهت و تفاوت در پاسخ‌ها استخراج شدند که بازنگری در آن‌ها نیز صورت گرفت و در نهایت ویژگی‌های نهایی مشخص شد. بدین ترتیب ویژگی‌هایی مبنی بر پاسخ‌های نوشتاری افراد به دست آمدند. علاوه بر این، در حین فرایند پاسخ‌گویی به سؤالات از سوی مصاحبه‌شوندگان، ویژگی‌های دیگری تحت عنوان ویژگی‌های مستخرج از فرایند مصاحبه شکل گرفت که مبنی بر تأمل عمیق برخی از افراد بر پاسخ‌ها بود. باید خاطر نشان کرد از میان انواع مصاحبه نیز، از مصاحبه ساختاریافته استفاده شده است. جدول ۱، مشخصات شرکت‌کنندگان در این پژوهش را نشان می‌دهد.

براساس جدول ۱، تمامی افراد دارای جنسیت مؤنث بوده و نیز اکثراً در رده سنی ۲۰ تا ۴۰ سال قرار داشته‌اند که البته سنین ۲۷ و ۳۴ سال، نسبت به دیگر سنین بیشترین فراوانی را در میان افراد به خود اختصاص داده است. همچنین نیمی از افراد، دارای پیش زمینه تحصیلی در رشته علوم انسانی و نیمی دیگر در رشته‌های ریاضی و فنی و مهندسی بودند و تنها یک نفر دارای پیش زمینه در رشته علوم تجربی بوده است.

جدول ۱: مشخصات شرکت‌کنندگان

شماره کد	جنس	سن	رشته تحصیلی دوره کارشناسی	گروه تحصیلی
۱	زن	۲۳	روان‌شناسی عمومی	سال اول
۲	زن	۳۴	معماری	سال اول
۳	زن	۲۷	علوم تربیتی	سال اول
۴	زن	۳۴	میکروبیولوژیک	سال اول
۵	زن	۲۷	روان‌شناسی عمومی	سال اول
۶	زن	۴۰	ریاضی کاربردی	سال دوم
۷	زن	۲۷	روان‌شناسی بالینی	سال دوم
۸	زن	۳۰	ریاضی محض	سال دوم
۹	زن	۳۸	صنایع دستی	سال دوم
۱۰	زن	۴۶	مهندسی برق	سال دوم
۱۱	زن	۳۹	کامپیوتر	فارغ‌التحصیل
۱۲	زن	۴۸	دبیری ریاضی	فارغ‌التحصیل
۱۳	زن	۲۸	علوم تربیتی	فارغ‌التحصیل
۱۴	زن	۲۸	علوم تربیتی	فارغ‌التحصیل
۱۵	زن	۳۱	علوم تربیتی	فارغ‌التحصیل

در ذیل به نمونه‌ای از پاسخ یکی از افراد به یکی از بندهای متن هنر عشق‌ورزیدن، به عنوان نمونه‌ای از داده‌ها، جهت نمایش طریقه تحلیل انجام شده بر روی آن اشاره شده است.

بند چهارم: البته چنین نیست که مردم عشق را بی‌اهمیت تصور کنند. مردم، گرسنه عشق هستند؛ آن‌ها به شمار بی‌پایانی از فیلم‌هایی که داستان‌های عاشقانه شاد یا غم‌انگیز دارند نگاه می‌کنند و به صدها ترانه عاشقانه مهمل گوش می‌کنند، اما کم‌تر کسی فکر می‌کند که درباره عشق، چیزهایی هم وجود دارد که باید آن‌ها را یاد گرفت.

پاسخ کد الف۵: «شاید ظاهراً چنین باشد که مردم به عشق توجهی ندارند، ولی آن‌ها به طور روزمره در زندگی با آن سر و کار دارند دیدن فیلم‌های شاد و غم‌انگیز، گوش دادن به موسیقی و.... با وجود این‌ها تعداد کمی از افراد به سمت این می‌روند که درباره عشق چیزی را بیاموزند».

در این پاسخ، تظاهر ویژگی «معنا کردن» در بررسی تک تک واژه‌های به کار برده شده در



ساختار جمله نمایان بود. به عنوان نمونه «موسیقی» جایگزین کلمه «ترانه»، «تعداد کمی» جایگزین کلمه «کمتر کسی» و «بیاموزند» جایگزین کلمه «یاد گرفت»، شده است. این کلمات به عنوان واژه‌هایی بوده که درست معنا شده‌اند و واژه‌هایی که نادرست معنا شده‌اند شامل «توجه کنند» بود که جایگزین «تصور کنند» شده بود. همچنین در پاسخ فرد، عبارت «شاید ظاهراً چنین باشد که مردم به عشق توجهی ندارند» از نظر معنایی متفاوت با مفهوم متن اصلی بود، یعنی چنین نیست که مردم عشق را بی‌اهمیت تصور کنند. چرا که در این عبارت تأکید بر اهمیتی داشته است که مردم برای عشق قائل هستند. بنابراین، ویژگی «تغییر دادن معنای جمله»، نیز در این پاسخ مشهود است. همچنین در مقایسه نمونه پاسخ ذکر شده، با دیگر پاسخ‌ها بر مبنای تفاوت‌ها و شباهت‌ها، ویژگی «حفظ کردن ساختار جمله» در این پاسخ مشاهده می‌شود.

به‌منظور بررسی دقت پژوهش، یک دستورالعمل و راهنمای پاسخ‌گویی تهیه شد که براساس آن درباره هدف کار و نحوه پاسخ‌گویی، افراد مصاحبه‌شونده مطلع می‌شدند. صحت (اعتبارپذیری^۱) داده‌های گردآوری شده نیز توسط متخصصان حوزه روان‌شناسی تربیتی از طریق حضور در جلسه مصاحبه وی تأیید شد. درباره وابستگی و اتکالپذیری^۲ در این پژوهش، نتایج گزارش به روش بازبینی توسط همه مصاحبه‌شوندگان سنجش شد و آن‌ها درباره درستی نتایج قضاوت کردند. در واقع نظر خود اعضا راجع به پاسخ‌هایشان پرسیده شد. تأییدپذیری^۳ پژوهش، از طریق تحلیل پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان توسط پژوهشگران این مطالعه و همخوانی نتایج به دست آمده از سوی آن‌ها تأیید شد.

یافته‌ها

پس از بررسی و تحلیل هر یک از پاسخ‌های نوشتاری ۱۵ شرکت‌کننده به تمام ۱۱ بند ارائه شده در این سطح، پاسخ‌ها در کنار یکدیگر قرار گرفته و مقایسه شدند و با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در میان آن‌ها در نهایت، ویژگی منوط به پاسخ‌های نوشتاری، استخراج شدند که شامل شش ویژگی: ۱- تغییر ساختار جمله؛ ۲- معنا کردن واژه؛ ۳- تکرار کردن جمله؛ ۴- تغییر دادن معنای جمله؛ ۵- توضیح دادن جمله؛ ۶- حذف کردن عبارت یا جمله است. علاوه بر این، با

1. Credibility
2. Dependability
3. Conformability

توجه به وجود نگرش، ابهامات و سؤالات افراد که در فرایند مصاحبه حاصل شد، نهایتاً ویژگی‌های منوط به فرایند مصاحبه استخراج شدند که عبارتند از: ۱- ترجمه کردن با توجه به احساسات فرد؛ ۲- عدم توجه به ارتباط بین بندها؛ ۳- نقد کردن. شایا ذکر است شرح این سه ویژگی بر طبق پاسخ هفت نفر از مصاحبه‌شوندگان انجام شده است.

در ادامه جدول ۲، ابتدا ویژگی‌های منوط به پاسخ‌های نوشتاری و سپس ویژگی‌های مربوط به فرایند مصاحبه شرکت‌کنندگان را نشان می‌دهد.

جدول ۲: ویژگی‌های مستخرج از پاسخ‌های شرکت‌کنندگان در پژوهش

ویژگی	توصیف ویژگی و ابعاد آن	نمونه پاسخ‌های شرکت‌کنندگان
ع م ر ت س	این ویژگی، به معنای تغییر دادن چپش و ظاهر جملات و نوع قالب جمله یعنی سؤالی بودن آن‌ها است. قابل ذکر است که ساختار دو بند ابتدائی متن به صورت قالب سؤالی و کاملاً متفاوت با دیگر بندها که قالب خبری داشتند، بوده است.	بند اول: آیا عشق هنر است؟ اگر چنین باشد پس به دانش و تلاش نیاز دارد. پاسخ کد ۲: "در صورتیکه ماهیت عشق، هنر باشد به سعی و دانش نیاز دارد." پاسخ کد ۱۰: "اگر عشق را هنر بدانیم، داشتن آن احتیاج به فعالیت و آگاهی دارد." بند دوم: یا اینکه آیا عشق، شور لذت بخشی است که تجربه آن، بخت و اقبال می‌خواهد، چیزی که اگر کسی "گرفتارش شود"، "خوش شانس" است؟ پاسخ کد ۱۴: "می‌توان این چنین گفت که عشق و تجربه آن لذت و شورمستی از نوع شانس است که وقتی کسی به آن دچار شود خوشبخت تلقی می‌شود."
۲. معنا کردن واژه	این ویژگی، به معنای جایگزین کردن واژه با یک واژه دیگر است که دارای طیف درست یا نادرست معنا کردن است. منظور از درست معنا کردن واژه، جایگزین کردن لغت اصلی با واژه‌هایی که مترادف (هم معنا) با آن لغت است. در مقابل نادرست معنا کردن واژه، بسنه معنای جایگزین کردن لغاتی است که هم معنای واژه اصلی و معادل با آن نیست.	بند پنجم: این نگرش عجیب بر چند فرض مبتنی است، که هر کدام به تنهایی یا در ترکیب با هم، از این نگرش پشتیبانی می‌کنند. بیشتر مردم موضوع عشق را در درجه اول، دوست داشته شدن می‌دانند نه عشق ورزیدن و توانایی دوست داشتن. پس مسأله آن‌ها این است که چگونه دوست داشته شوند و چگونه دوست داشتنی باشند. پاسخ کد ۵: "نگرش‌های متفاوت به صورت تنها یا در ترکیب با هم از این نگرش حمایت می‌کنند. بسیاری از مردم در نگاه اول عشق را دوست داشته شدن می‌دانند، بدون در نظر عشق ورزی و توانایی برای دوست داشتن، آن‌ها به این فکر می‌کنند که دوست داشته شوند و چسب باعث می‌شود که دوست داشتنی شوند؟" واژه‌های معنا شده در پاسخ کد ۵ به صورت درست یا نادرست درست معنا کردن واژه: پشتیبانی می‌کنند = حمایت می‌کنند بیشتر = بسیاری نادرست معنا کردن واژه: مسأله ≠ فکر می‌کنند عجیب ≠ متفاوت درجه اول ≠ نگاه اول بند چهارم: البته چنین نیست که مردم عشق را بی اهمیت تصور کنند. مردم، گرسنه عشق هستند؛ آن‌ها به شمار بی‌پایانی از فیلم‌هایی که داستان‌های عاشقانه شاد یا غم‌انگیز دارند نگاه می‌کنند و به صدها ترانه عاشقانه مهمل گوش می‌کنند، اما کم‌تر کسی فکر می‌کند که درباره عشق، چیزهایی هم وجود دارد که باید آن‌ها را یاد گرفت. پاسخ کد ۸: " البته منظور این نیست که افراد نسبت به عشق بدون



نمونه پاسخ‌های شرکت‌کنندگان	توصیف ویژگی و ابعاد آن	ویژگی
<p>توجه باشند، بلکه در زندگی روزمره با آن بسیار برخورد داشته باشند. مثلاً فیلم‌های عاشقانه و آهنگ‌هایی که گوش می‌دهند؛ اما توجهی به این ندارند که درباره عشق چیزهایی هم هست که باید یاد بگیرند."</p> <p>واژه‌های معنا شده در پاسخ کد ۸ به صورت درست یا نادرست درست معنا کردن واژه: چنین نیست = منظور این نیست مردم = افراد ترانه‌ی آهنگ‌هایی</p> <p>نادرست معنا کردن واژه: بی‌اهمیت بودن توجه فکر کردن ≠ توجه کردن بند هفتم: تقویت رفتارهای خوشایند، خوش‌صحبتی، مفید بودن، تواضع داشتن و مؤدب بودن از جمله راه‌های دیگر جذاب بودن است و هم مردان و هم زنان از آن‌ها استفاده می‌کنند. بسیاری از راه‌هایی که برای دوست‌داشتنی کردن خود استفاده می‌شود همان راه‌هایی است که برای رسیدن به موفقیت استفاده می‌شود، چون هر دو، بر پیروز شدن بر دوستان و نفوذ در مردم مبتنی هستند. به عنوان یک واقعیت، در فرهنگ ما منظور مردم از دوست‌داشتنی بودن، ترکیبی است از محبوب بودن و داشتن جذابیت جنسی.</p> <p>پاسخ کد ۹: "بهبود منش‌های دلچسب، شیرین‌بیان بودن، کارآمدی، فروتن بودن و مبادی آداب بودن جزء سایر روش‌های دلنشین بودن است که هم آقایان و هم خانم‌ها از آن‌ها بهره می‌برند. بیشتر روش‌هایی که برای دوست‌داشتنی کردن خود به کار گرفته می‌شود، همان روش‌هایی است که برای دستیابی به موفقیت</p>		
<p>به کار گرفته می‌شود. زیرا هر دو، بر پایه واقف شدن به دوستان و تأثیرگذاری در افراد استوار است. این یک حقیقت است که در تمدن ما مقصود افراد از دوست‌داشتنی بودن، تلفیق عزیز بودن و از نظر جنسی دلچسب است."</p> <p>واژه‌های معنا شده در پاسخ کد ۹ به صورت درست یا نادرست درست معنا کردن واژه: راه = روش تقویت = بهبود مردان = آقایان رفتارهای = منش‌های ترکیب = تلفیق جذاب کند = دلنشین‌تر کنند خوشایند = دلچسب خوش‌صحبتی = شیرین‌بیان بودن تواضع‌داشتن = فروتن بودن مفید بودن = کارآمدی استفاده می‌کنند = بهره می‌برند نفوذ = تأثیرگذاری مبتنی هستند = استوار است واقعیت = حقیقت مقصود = منظور محبوب بودن = عزیز بودن نادرست معنا کردن واژه: فرهنگ ≠ تمدن</p>		معنا کردن واژه
<p>بند اول: آیا عشق هنر است؟ اگر چنین باشد پس به دانش و تلاش نیاز دارد. پاسخ کد ۶: " آیا عشق هنر است؟ اگر این طور باشد، پس به آگاهی و تلاش نیاز دارد."</p> <p>بند نهم: احترام، توانایی دیدن شخص به آن شکلی که هست و آگاه بودن از فردیت یگانه او دلالت دارد. احترام یعنی فرد دیگر باید بتواند آن‌گونه که هست، رشد کند و شکوفا شود. بنابراین، در احترام، استثمار جایی ندارد. من از فردی که به او عشق می‌ورزم می‌خواهم به خاطر خودش و به روش خودش، رشد کند و دنبال این نیستم که رشد کند تا در خدمت من باشد. پاسخ کد ۱۱: "احترام مهارت دیدن شخص به آن شکلی است که وجود دارد و آگاهی به اینکه منحصر به فرد است. احترام یعنی برای شخص دیگر این توانایی را قائل باشیم که همان‌گونه که هست به بالندگی برسد. پس در احترام بهره‌کشی وجود ندارد. من از کسی که عاشقش هستم می‌خواهم که به خاطر خودش و با روش خودش رشد</p>	این ویژگی، به معنای رونوشت یا عیناً تکرار نمودن جملات متن، بدون هیچ‌گونه تغییر است.	۳. تکرار کردن جمله

نمونه پاسخ‌های شرکت‌کنندگان	توصیف ویژگی و ابعاد آن	ویژگی
<p>کند و نه اینکه به خاطر من رشد کند تا به من خدمت داشته باشد." بند هفتم: تقویت رفتارهای خوشایند، خوش‌صحبتی، مفید بودن، تواضع داشتن و مؤدب بودن از جمله راه‌های دیگر جذاب بودن است و هم مردان و هم زنان از آن‌ها استفاده می‌کنند. بسیاری از راه‌هایی که برای دوست‌داشتنی کردن خود استفاده می‌شود همان راه‌هایی است که برای رسیدن به موفقیت استفاده می‌شود، چون هر دو، بر پیروز شدن بر دوستان و نفوذ در مردم مبتنی هستند. به عنوان یک واقعیت، در فرهنگ ما منظور مردم از دوست‌داشتنی بودن، ترکیبی است از محبوب بودن و داشتن جذابیت جنسی. پاسخ کد ج ۱۵: "تقویت رفتارهای خوشایند، فن بیان خوب، مفید بودن، متواضع بودن، مؤدب بودن از دیگر راه‌های جذاب بودن است که هم مردان و هم زنان از آن‌ها استفاده می‌کنند. خیلی از روش‌هایی که برای محبوبیت داشتن نزد دیگران به کار گرفته می‌شود، همان روش‌هایی است که برای رسیدن به موفقیت استفاده می‌شود. زیرا هر دوی این‌ها بر موفق شدن بر دوستان و نفوذ در مردم مبتنی هستند. در واقع در فرهنگ ما منظور مردم از دوست‌داشتنی بودن ترکیب، محبوبیت و جذابیت جنسی است."</p>		
<p>بند چهارم: البته چنین نیست که مردم عشق را بی‌اهمیت تصور کنند. مردم، گرسنه عشق هستند؛ آن‌ها به شمار بی‌پایانی از فیلم‌هایی که داستان‌های عاشقانه شاد یا غم‌انگیز دارند نگاه می‌کنند و به صدها ترانه عاشقانه مهمل گوش می‌کنند، اما کم‌تر کسی فکر می‌کند که درباره عشق، چیزهایی هم وجود دارد که باید آن‌ها را یاد گرفت. پاسخ کد ج ۱۵: "شاید ظاهراً چنین باشد که مردم به عشق توجهی ندارند، ولی آن‌ها به طور روزمره در زندگی با آن سر و کار دارند. دیدن فیلم‌های شاد و غم‌انگیز، گوش دادن به موسیقی و.... با وجود این‌ها تعداد کمی از افراد به سمت این می‌روند که درباره عشق چیزی را بیاموزند."</p> <p>بند هفتم: تقویت رفتارهای خوشایند، خوش‌صحبتی، مفید بودن، تواضع داشتن و مؤدب بودن از جمله راه‌های دیگر جذاب بودن است و هم مردان و هم زنان از آن‌ها استفاده می‌کنند. بسیاری از راه‌هایی که برای دوست‌داشتنی کردن خود استفاده می‌شود همان راه‌هایی است که برای رسیدن به موفقیت استفاده می‌شود، چون هر دو، بر پیروز شدن بر دوستان و نفوذ در مردم مبتنی هستند. من از فردی که به او عشق می‌ورزم می‌خواهم به خاطر خودش و به روش خودش، رشد کند و دنبال این نیستم که رشد کند تا در خدمت من باشد. پاسخ کد ج ۱۲: "احترام در یکسری آداب و رسوم از پیش تعیین شده نیست، احترام در دیدن فرد به آن صورتی است که هست نه آن صورتی که من می‌خواهم، و احترام رشد و شکوفایی عناصر وجودی فرد برای خودش، نه برای من است. پس در احترام، استثماری محلی ندارد من از شخصی که به او عشق می‌ورزم می‌خواهم که به خاطر خودش و روش خودش، پیشرفت کند و به دنبال این نیستم که او پیشرفت کند تا به من خدمت و کمک کند."</p> <p>بند دوم: یا اینکه آیا عشق، شور لذت‌بخشی است که تجربه آن، بخت و اقبال می‌خواهد، چیزی که اگر کسی "گرفتارش شود"، "خوش‌شانس" است؟ پاسخ کد ج ۱۱: "عشق خوش‌شانسی است که لذت فراوان دارد، آیا تجربه آن بخت و اقبال می‌خواهد؟"</p>	<p>این ویژگی تغییر دادن معنای جملات در فرمول‌بندی مجدد آن، به معنای آن است که در بیان کردن به شکل دیگر، در معنا و مفهوم جمله دخل و تصرف شود.</p>	<p>۴. تغییر دادن معنای جمله</p>
<p>بند چهارم: البته چنین نیست که مردم عشق را بی‌اهمیت تصور کنند. مردم، گرسنه</p>	<p>این ویژگی، به معنای</p>	<p>۵. توضیح</p>

نمونه پاسخ‌های شرکت‌کنندگان	توصیف ویژگی و ابعاد آن	ویژگی
<p>عشق هستند؛ آن‌ها به شمار بی‌پایانی از فیلم‌هایی که داستان‌های عاشقانه شاد یا غم‌انگیز دارند نگاه می‌کنند و به صداها ترانه عاشقانه مهمل گوش می‌کنند، اما کم‌تر کسی فکر می‌کند که درباره عشق، چیزهایی هم وجود دارد که باید آن‌ها را یاد گرفت. پاسخ کد الف ۴: "البته این‌گونه نیست که عشق در نظر انسان‌ها بی‌اهمیت باشد. انسان‌ها در جستجوی عشق هستند. آن‌ها بسیار به تماشای فیلم‌های عاشقانه و رمانتیک می‌نشینند و بسیار به آواهای عاشقانه گوش می‌سپرنند، اما کمتر به مسائلی که باید درباره عشق آموخت فکر می‌کنند. به واقع، تنها تعداد اندکی هستند که ارزش عشق را برای این احساسات شاید زودگذر می‌بینند، زیرا این عشق‌های پر شور و اصطلاحاً در یک نگاه زود سرد می‌شوند و آن چیزی که عشق را سر پا نگه می‌دارد، نکاتی است که باید آموخته شوند."</p> <p>بند یازدهم: عشق به یک شخص، فقط یک احساس قوی نیست - یک تصمیم است، یک قضاوت است، یک پیمان است. پاسخ کد ۷: "عشق به یک فرد، تنها یک حس قوی و شدید نیست، بلکه یک خواست و تصمیم است، یک داوری است، همراه با سنجش اینکه آیا می‌خواهم و می‌توانم شخص دیگری را دوست داشته باشم یا خیر؟ یک عهد است، یعنی آیا می‌توانم احترام او، حق او، انتخاب و اختیار و آزادی او را حفظ کنم و مانع رشدش نشوم؟"</p>	<p>اضافه کردن مطلب جدید به جملات متن است که محتوای آن فراتر از محتوای متن اصلی است.</p>	<p>دادن جمله</p>
<p>بند نهم: احترام، توانایی دیدن شخص به آن شکلی که هست و آگاه بودن از فردیت یگانه او دلالت دارد. احترام یعنی فرد دیگر باید بتواند آن‌گونه که هست، رشد کند و شکوفا شود. بنابراین در احترام، استثمار جایی ندارد. من از فردی که به او عشق می‌ورزم می‌خواهم به خاطر خودش و به روش خودش، رشد کند و دنبال این نیستم که رشد کند تا در خدمت من باشد. پاسخ کد ۱۲: "احترام در یکسری آداب و رسوم از پیش تعیین شده نیست، احترام در دیدن فرد به آن صورتی است که هست نه آن صورتی که من می‌خواهم، و احترام رشد و شکوفایی عناصر وجودی فرد برای خودش، نه برای من است. پس در احترام، استثمار محلی ندارد من از شخصی که به او عشق می‌ورزم، می‌خواهم که به خاطر خودش و روش خودش، پیشرفت کند و به دنبال این نیستم که او پیشرفت کند تا به من خدمت و کمک کند."</p>		<p>توضیح دادن جمله</p>
<p>بند دهم: بدیهی است که احترام فقط زمانی امکان پذیر می‌شود که من به استقلال رسیده باشم. من زمانی می‌توانم عشق بورزم که بتوانم بدون عصا، روی پای خودم بایستم و راه بروم و دنبال سلطه و استثمار یک انسان دیگر نباشم. احترام فقط با تکیه بر آزادی است که وجود پیدا می‌کند: همان‌طور که یک سرود فرانسوی قدیمی می‌گوید "عشق فرزند آزادی است" و به هیچ عنوان، فرزند سلطه نیست. پاسخ کد ۶: "روشن است که وقتی می‌توانم به دیگری احترام بگذارم که به استقلال رسیده باشم. احترام گذاشتن به دیگری، صرفاً بر پایه آزادیست. فرانسوی‌ها می‌گویند: عشق فرزند آزادیست، فرزند سلطه نیست."</p> <p>بند ششم: آن‌ها برای رسیدن به این هدف، چند راه را در پیش می‌گیرند. یکی از این راه‌ها که به ویژه توسط مردان استفاده می‌شود. موفق بودن، قدرتمند بودن و ثروتمند بودن تا جایی است که جایگاه اجتماعی فرد به او اجازه می‌دهد. راه دیگر که بیشتر توسط زنان استفاده می‌شود این است که فرد خود را از طریق رسیدن به بدن، لباس و مواردی از این دست، جذاب کند. پاسخ کد ۱۱: "آن‌ها برای رسیدن به این هدف راه‌هایی را انتخاب می‌کنند. از راه‌هایی که بیشتر مردان به آن گرایش دارند،</p>	<p>این ویژگی، به معنای حذف کردن یک عبارت کوتاه و حذف یک جمله، بدون جایگزین کردن آن‌ها است.</p>	<p>حذف کردن عبارت یا جمله</p>

نمونه پاسخ‌های شرکت‌کنندگان	توصیف ویژگی و ابعاد آن	ویژگی
<p>موفق بودن، قدرتمند بودن و ثروتمند بودن است. از راه‌هایی که بیشتر زنان به آن گرایش دارند، توجه به آراستگی و پیراستگی و مواردی از این قبیل می‌باشد."</p>		
<p>بند هشتم: ماهیت فعال عشق در این واقعیت آشکار می‌شود که عشق به طور تلویحی حاوی چند عنصر بنیادی است که در تمامی انواع عشق مشترک است. این عناصر مراقبت، مسئولیت‌پذیری، احترام و دانش هستند. عشق یعنی اهمیت دادن فعالانه به زندگی و رشد چیزی که به آن عشق می‌ورزیم. کد ۹: "به جای عناصر اجزا بزارم، به دلم نمی‌چسبه برای این متن. متنی که راجع به عشقه اجزا خیلی خشکه برای عشق، انگار راجع به یه ساختمون صحبت می‌کنی...". بند دوم: یا اینکه آیا عشق، شور لذت‌بخشی است که تجربه آن، بخت و اقبال می‌خواهد، چیزی که اگر کسی "گرفتارش شود"، "خوش‌شانس" است؟ کد ج ۱۲: "...بر می‌گردم به اون حس خودم که مثلاً حالا، کلمه لذت‌بخشه شاید چیزی نتونم معادلش پیدا بکنم، ولی از این که یه تجربه شیرینیه سعی کردم اون شیرینیه رو بیارم توش".</p>	<p>این ویژگی، به معنای دخالت دادن احساسات و واکنش‌های عاطفی فرد و دخالت دادن زمینه متن در ترجمه کردن جملات است.</p>	<p>۱. ترجمه کردن با توجه احساسات فرد</p>
<p>بند پنجم: این نگرش عجیب بر چند فرض مبتنی است، که هر کدام به تنهایی یا در ترکیب با هم از این نگرش پشتیبانی می‌کنند. بیشتر مردم موضوع عشق را در درجه اول، دوست‌داشته شدن می‌دانند نه عشق‌ورزیدن و توانایی دوست‌داشتن. پس مسأله آن‌ها این است که چطور دوست‌داشته شوند و چطور دوست‌داشتنی باشند. کد ۱۰: این سؤال را مطرح کرد که "این نگرش عجیب به چی بر می‌گرده؟"</p>	<p>این ویژگی بدان معنا است که ارتباط بین بندهای متن مورد توجه قرار نگرفته و افراد فارغ از این که متن پیوسته است آن را مجزا از هم دیده‌اند. این ویژگی در قالب سؤالاتی که از سوی افراد مطرح می‌گردید، مشخص شده است.</p>	<p>۲. عدم توجه به ارتباط بین بندها</p>
<p>بند چهارم: البته چنین نیست که مردم عشق را بی‌اهمیت تصور کنند. مردم، گرسنه عشق هستند؛ آن‌ها به شمار بی‌پایانی از فیلم‌هایی که داستان‌های عاشقانه شاد یا غم‌انگیز دارند نگاه می‌کنند... کد ای ۲: "آدم‌ها گشته عشق‌اند من دوست نداشتم، نه به نظر من همه آدم‌ها این طوری نیستن، من اینو دوست ندارم...". بند ششم: آن‌ها برای رسیدن به این هدف، چند راه را در پیش می‌گیرند. یکی از این راه‌ها که به ویژه، توسط مردان استفاده می‌شود موفق بودن، قدرتمند بودن و ثروتمند بودن تا جایی است که جایگاه اجتماعی فرد به او اجازه می‌دهد. راه دیگر که بیشتر توسط زنان استفاده می‌شود این است که فرد خود را از طریق رسیدن به بدن، لباس و مواردی از این دست، جذاب کند. کد ۶: "راه، ما خیلی راه نداریم جلوی آدم‌ها، تقریباً محدودیت‌هایی داریم این که خیلی آزادی این که چه راهی انتخاب کنیم نداریم...". بند هفتم: تقویت رفتارهای خوشایند، خوش‌صحبتی، مفید بودن، تواضع داشتن و مؤدب بودن از جمله راه‌های دیگر جذاب بودن است و هم مردان و هم زنان از آن‌ها استفاده می‌کنند... به عنوان یک واقعیت، در فرهنگ ما منظور مردم از دوست‌داشتنی بودن، ترکیبی است از محبوب بودن و داشتن جذابیت جنسی). کد ب ۷: "... باید یه چیز دیگه می‌داشت، خوب می‌تونه این جا بیاد بگه که جدای از این که اینو صرف جنسی نذاره، بگه جذابیت ظاهری. حالا من یه تعبیری که خودم می‌ذارم می‌گم، زیبایی سیرت و صورت...".</p>	<p>این ویژگی، به معنای نپذیرفتن جملات است. لازم به ذکر است اظهارات افراد در بیان کردن به شکل دیگر جملات متن، به صورت نقد کردن کلمات و عبارات، بیان کردن نظر شخصی و اعمال آن بر مطالب نویسنده، مطرح شده است.</p>	<p>۳. نقد کردن</p>

طبق جدول ۲، در خصوص ویژگی «تغییر ساختار جمله»، در نمونه پاسخ‌های ذکر شده، همان‌گونه که مشخص است در دو بند ابتدائی متن، ساختار جمله از قالب سؤالی به قالب یک جمله خبری و شرطی بر طبق یک الگوی (اگر آن... پس این) تغییر یافته است. شایان ذکر است، تغییر در قالب و ساختار جملات در میان پاسخ افراد به صورت متفاوت وجود داشت. چنانچه که این تغییر ساختار یا به طور همزمان در هر دو بند ابتدائی متن بوده یا صرفاً در یکی از بندهای اول و دوم صورت گرفته بود. همچنین، در زمینه ویژگی «معنا کردن واژه»، در نمونه پاسخ‌های ذکر شده، همان‌طور که مشخص است، تعداد لغاتی که درست معنا شده در حدود (۲-۱۶) لغت است و تعداد لغاتی که نادرست معنا شده است در حدود (۱-۳) لغت است. باید خاطر نشان کرد که بر طبق بررسی پاسخ تمام افراد به ۱۱ بند موجود در این سطح، طیف لغاتی که به صورت درست معنا شده در حدود (۱۲ تا ۷۶) لغت بود که در این طیف کم‌ترین و بیش‌ترین تعداد لغاتی که درست بیان شده، متعلق به گروه تحصیلی دوم بوده است. همچنین طیف لغاتی که به صورت نادرست معنا شده، در حدود (۳-۱۰) لغت بود که بیش‌ترین سهم متعلق به گروه تحصیلی اول و کم‌ترین سهم آن متعلق به گروه تحصیلی دوم بوده است. نکته جالب توجه آن است که در نمونه پاسخ‌های ارائه شده، دو نمونه پاسخ (کد ب ۸ و ب ۹)، نشان‌دهنده پاسخ افرادی بوده که دارای بیش‌ترین و کم‌ترین تعداد واژه‌های درست و نیز کمترین تعداد واژه‌های نادرست، در کل بندهای موجود در این سطح بودند که به گزیده‌ای از پاسخ آن‌ها به بندی از بندهای این سطح پرداخته شده است.

همچنین طبق جدول ۲، یکی دیگر از ویژگی‌های مستخرج، «تکرار کردن جمله» بود که در نمونه پاسخ‌های ذکر شده، جملات و عبارات‌های مشخص شده در پاسخ افراد، بدون هیچ‌گونه تغییری بیان شده است و در حقیقت تکرار و رونوشتی از همان جملات ذکر شده در متن اصلی است. جالب توجه است که تکرار کردن جملات متن، به صورت پراکنده در میان پاسخ اکثر افراد، به تمام بندهای موجود در این سطح مشاهده شد. باید خاطر نشان کرد که بیش‌ترین میزان تکرار کردن عبارات و جملات متن در پاسخ افراد، به ترتیب در بند ۹ (دو بار)، بند ۷ (پنج بار)، بند ۸ (سه بار)، بند ۵ (چهار بار)، بند ۶ (چهار بار) و بند ۱ (سه بار) وجود داشت. به طور کلی در اغلب بندهای انتهایی سطح یک، که حاوی عبارت و الفاظ پیچیده‌تر و جملات طولانی‌تر بوده، تکرار کردن جملات در آن‌ها به مراتب بیشتر از دیگر بندها صورت گرفته بود.

از دیگر ویژگی‌ها، «تغییر دادن معنای جمله» بود که در نمونه پاسخ‌های ذکر شده، عبارت‌های مشخص شده، بیان‌کننده تغییر در معنا و مفهوم جملات متن است. چنان‌چه که در نمونه پاسخ اول، عبارت تعیین شده متفاوت با معنای جملات متن اصلی بوده است، چرا که در متن، تأکید بر ارزش و اهمیتی که مردم برای عشق قائل هستند، وجود داشته و در حالی که پاسخ فرد خلاف این مطلب را نشان می‌دهد. در نمونه پاسخ دوم نیز معنای جمله متن تغییر یافته است، چرا که نویسنده تأکیدی بر موفق بودن در فعالیت و کار به عنوان یک نتیجه‌ای حاصل از فعالیت و یک شرط و مقدمه‌ای برای دوست‌داشتنی بودن افراد نداشته است، بلکه در قالب یک قیاس به شباهت میان مسیرهای دوست‌داشته شدن و موفقیت اشاره کرده است. در نمونه پاسخ سوم، معنای جمله متن تغییر یافته است، از آن سو که نویسنده بر این مطلب تأکید داشته که «شخصی که عشق را تجربه می‌کند و دچارش می‌شود، خوش‌شانس است» که این مطلب برخلاف مفهومی است که در پاسخ فرد وجود داشته است. در حقیقت افراد، با حذف و اضافه کردن برخی کلمات و جابه‌جایی در عبارت‌های متن، آن را دوباره بیان کرده بودند که در این بیان کردن به شکل دیگر، مفهوم و معنای مطلب اصلی را دچار تحریف و خدشه کرده بودند. به نحو کلی تغییر در معنای جمله در میان پاسخ افراد به صورت پراکنده، در بند ۲ (یک بار)، بند ۴ (یک بار)، بند ۷ (دو بار)، بند ۱۱ (یک بار) وجود داشت که بیش‌ترین سهم به بند هفتم، اختصاص یافته بود.

ویژگی «توضیح دادن جمله» در جدول ۲، در نمونه پاسخ‌های ذکر شده، عبارت‌های مشخص شده، توضیحاتی اضافی در راستای بسط دادن مطالب متن بوده که در خصوص «کلمات داوری و عهد، احترام و عدم دوام عشق ظاهری» نمایش یافته است. به طور کلی در نمونه پاسخ افراد، توضیح دادن جملات متن در قالب بیان مطالب اضافی به صورت پراکنده در بندهای ۴ (سه بار)، بند ۵ (یک بار)، بند ۷ (یک بار)، بند ۸ (یک بار)، بند ۹ (یک بار)، بند ۱۰ (سه بار) و بند یازده (دو بار) وجود داشت که در این میان بند ۴ و ۱۰ بیش‌ترین میزان توضیح دادن جمله‌ها را به خود اختصاص داده است. در خصوص ویژگی «حذف کردن عبارت یا جمله»، در نمونه پاسخ‌های ذکر شده، عبارت و جمله‌های مشخص شده، در هنگام بیان کردن به شکل دیگر جملات، از پاسخ افراد حذف شده است. شایان ذکر است، در مجموع بر طبق بررسی پاسخ تمام افراد به ۱۱ بند ارائه شده در این سطح، ویژگی حذف کردن

عبارات یا جملات، به ترتیب در بند ۶ (یک بار) و در بند ۵، ۸ و ۱۰ هرکدام (دو بار)، و تنها در میان دو نمونه پاسخ ذکر شده وجود داشت. کم‌ترین مقدار حذف عبارت در بند ۶) بوده و تنها یک نفر این ویژگی را در پاسخ خود بیان کرد. نکته جالب توجه آن است که در پاسخ (یک نفر) حذف کردن عبارات در هر کدام از سه بند (۵، ۸ و ۱۰) وجود داشت. از طرفی باید افزود که این بندهای ذکر شده، از لحاظ محتوایی جهت بیان کردن به شکل دیگر پیچیده‌تر بودند، لذا به نسبت این پیچیدگی میزان حذف عبارات در میان پاسخ این افراد در این بندها، بیشتر مشاهده شده بود.

بر طبق جدول در زمینه ویژگی «ترجمه کردن با توجه به احساسات فرد»، گنجاندن احساسات درباره بندهای فوق، نشان‌دهنده آن بود که بیان احساسات افراد نسبت به کلمات و موضوعات و به طور خاص پاسخ‌های احساسی نسبت به متن، در میان مصاحبه‌شوندگان مورد توجه قرار گرفته است. همچنین، در خصوص ویژگی «عدم توجه به ارتباط بین بندها»، شایان ذکر است که سؤال ذکر شده در نمونه پاسخ، از سوی چهار مصاحبه‌شونده دیگر نیز، مورد پرسش قرار گرفته بود. چنانچه که مشخص است، این سؤال در راستای در نظر نگرفتن محتوای بند قبلی بوده که این دیدگاه (نگرش) را معرفی می‌کرد، از سوی برخی مصاحبه‌شوندگان مطرح شده بود. به علاوه، در نمونه پاسخ‌های ذکر شده، انتقاد بر عبارت و کلماتی از جمله «مردم گرسنه عشق هستند»، «جذابیت جنسی» و کلمه «راه» که نویسنده در متن هنر عشق‌ورزیدن ذکر کرده بود، به صورت بیان نظرات خود مصاحبه‌شونده، مخالف کردن و مداخله کردن در نظر نویسنده، مطرح شده است که ویژگی «نقد کردن» نامیده شده است. در میان تمام بندهای موجود در این سطح، بند هفتم بیشتر از بقیه بندها از سوی افراد مورد نقد قرار گرفته است.

به منظور عینیت بخشیدن و شفاف‌سازی یافته‌های به دست آمده از تحلیل، فراوانی برخوردار هر یک از افراد شرکت‌کننده در مطالعه از ویژگی‌های مستخرج شده، به صورت شواهد کمی در جدول (۳) ارائه شده است.

سنجش نخستین سطح از تفکر انتقادی در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی ۵۵

جدول ۳: توزیع فراوانی ویژگی‌های مستخرج از «بیان کردن به شکل دیگر» در میان شرکت‌کنندگان به تفکیک سه گروه تحصیلی

ویژگی‌های مستخرج از پاسخ‌های نوشتاری و فرایند مصاحبه	گروه تحصیلی	
	سال اول	سال دوم
تغییر ساختار جمله	۳ نفر	۱ نفر
معنا کردن واژه	۵ نفر	۵ نفر
تکرار کردن جمله	۴ نفر	۴ نفر
تغییر دادن معنای جمله	۱ نفر	۱ نفر
توضیح دادن جمله	۳ نفر	۳ نفر
حذف کردن عبارت یا جمله	-	۱ نفر
ترجمه کردن با توجه به احساسات فرد	-	۱ نفر
عدم توجه به ارتباط بین بندها	-	۴ نفر
نقد کردن	۱ نفر	۲ نفر

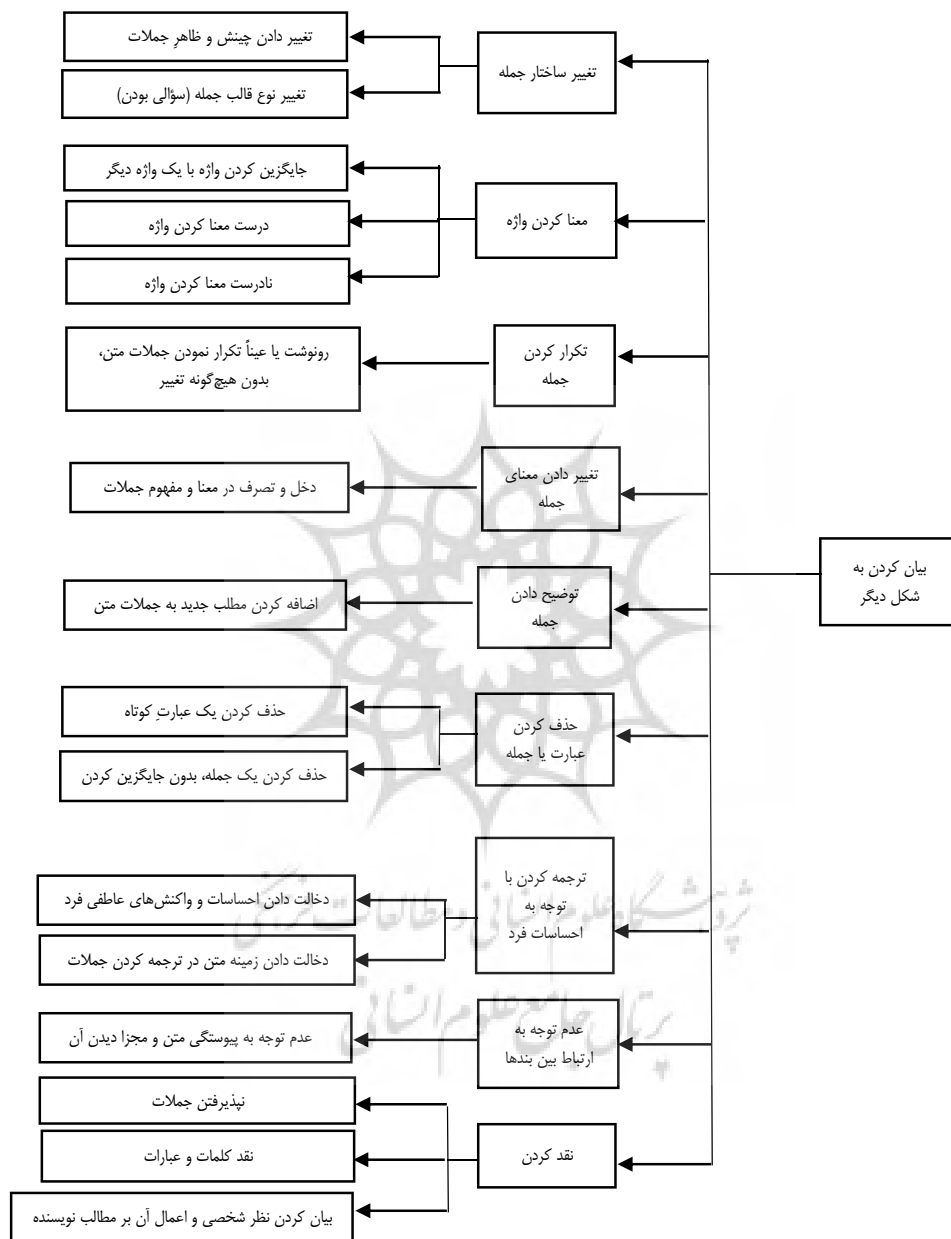
همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد، «تغییر ساختار جمله»، در پاسخ ۱/۳ (پنج نفر) از افراد در کل سه گروه تحصیلی وجود داشت که سهم گروه تحصیلی اول، در این میان بیشتر بوده است. «معنا کردن واژه»، در پاسخ تمام ۱۵ نفر در هر سه گروه تحصیلی، به نسبت مساوی وجود داشت. «تکرار کردن جمله» در پاسخ اکثریت افراد، بیش از ۲/۳ (۱۲ نفر) در هر سه گروه تحصیلی، به نسبت مساوی وجود داشت. «تغییر دادن معنای جمله»، در پاسخ عده کمی کمتر از ۱/۳ (سه نفر) در سه گروه تحصیلی، به نسبت مساوی وجود داشت. «توضیح دادن جمله»، در مجموع در پاسخ نیمی از افراد ۲/۳ (هفت نفر) مشاهده شد که سهم گروه تحصیلی اول و دوم مساوی بوده است و سهم گروه تحصیلی سوم (فارغ‌التحصیلان) در این ویژگی، بسیار اندک بوده است. «حذف کردن عبارت یا جمله»، در مجموع در پاسخ کمتر از ۱/۳ (دو نفر) از گروه تحصیلی دوم و فارغ‌التحصیلان، به نسبت مساوی وجود داشت. در مورد ویژگی‌های مستخرج از فرایند مصاحبه، نیز تعداد کمی از افراد کمتر از ۱/۳ (دو نفر) در دو گروه تحصیلی دوم و فارغ‌التحصیلان به ویژگی «ترجمه کردن با توجه به احساسات فرد» توجه داشتند.



همچنین ۱/۳ (پنج نفر) از میان گروه تحصیلی دوم و فارغ‌التحصیل، به ویژگی «عدم توجه به ارتباط بین بندهای متن» توجه داشتند که در این میان سهم گروه تحصیلی دوم بیشتر بوده است. ویژگی «نقد کردن» نیز مورد توجه کمتر از ۱/۳ (چهار نفر) از افراد در کل سه گروه تحصیلی قرار گرفت که در این میان، گروه تحصیلی اول و فارغ‌التحصیلان از سهم مساوی برخوردار بودند.

در نهایت چنانچه که شواهد نشان می‌دهد، در خصوص ویژگی‌های مستخرج از پاسخ‌های نوشتاری، به استثنای ویژگی «تغییر ساختار جمله»، که در میان گروه تحصیلی اول بهتر از گروه تحصیلی دوم و فارغ‌التحصیلان بوده است، در مابقی ویژگی‌ها عملکرد افراد تفاوت چشمگیری را نداشته است. در مورد ویژگی‌های مستخرج از فرایند مصاحبه، نیز «عدم توجه به ارتباط بین بندهای متن» در گروه تحصیلی دوم بیشتر بوده است و در «نقد کردن» نیز عملکرد سه گروه تحصیلی اختلاف چندانی چشمگیری را نداشته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار ۱: مضامین و زیرمضامین استخراج شده از بیان کردن به شکل دیگر

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف «سنجش سطح نخست تفکر انتقادی یعنی بیان کردن به شکل دیگر در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه الزهراء(س) در سه گروه تحصیلی سال اول، سال دوم و فارغ‌التحصیلان در رشته روان‌شناسی تربیتی» انجام شد. از نظر پل و الدر (۲۰۱۲) اولین سطح مهارت تفکر انتقادی، بیان کردن به شکل دیگر است که تنها در صورتی موفقیت‌آمیز است که کلمات ما با استخراج معنای بنیادی از متن اصلی همراه باشد و تا حدی که معنای متن اصلی را قابل فهم سازد. با توجه به این دیدگاه، از تحلیل پاسخ‌های افراد در این سطح، دو دسته ویژگی استخراج شدند. دسته اول، ویژگی‌های مستخرج از بررسی پاسخ‌های نوشتاری شامل ۱. تغییر ساختار جمله. ۲. معنا کردن واژه. ۳. تکرار کردن جمله. ۴. تغییر دادن معنای جمله. ۵. توضیح دادن جمله. ۶. حذف کردن عبارت یا جمله و دسته دوم، ویژگی‌های مستخرج در فرایند مصاحبه شامل ۱. ترجمه کردن با توجه به احساسات فرد. ۲. عدم توجه به ارتباط بین بندها. ۳. نقد کردن بود. در مجموع براساس تحلیل و بررسی‌های انجام شده، نهایتاً دو ویژگی «معنا کردن واژه» و «تکرار کردن جمله» بر مبنای شباهت در میان پاسخ‌های نوشتاری افراد در هر سه گروه تحصیلی، استخراج شد. از طرفی ویژگی‌های «تغییر دادن معنای جمله»، «توضیح دادن جمله» و «حذف کردن عبارت یا جمله»، بر مبنای تفاوت در پاسخ‌های افراد در هر سه گروه تحصیلی استخراج شده است. باید خاطر نشان کرد که ویژگی‌های «تغییر ساختار جمله» و «درست معنا کردن واژه»، به منزله ویژگی‌های مثبت در «بیان کردن به شکل دیگر» مطرح است و در مقابل آن «نادرست معنا کردن واژه»، «تغییر دادن معنای جمله»، «توضیح دادن جمله»، «حذف کردن عبارت یا جمله» و «تکرار کردن جمله» جزء ویژگی‌های منفی در بیان کردن به شکل دیگر بودند. درباره ویژگی‌های مستخرج در فرایند مصاحبه نیز «ترجمه کردن با توجه به احساسات فرد» به عنوان یک ویژگی مثبت و دو ویژگی «عدم توجه به ارتباط بین بندها» و «نقد کردن»، نیز به عنوان ویژگی‌های منفی در بیان کردن به شکل دیگر بودند.

بر طبق تحلیل‌های انجام شده در خصوص ویژگی «معنا کردن واژه» یافته‌ها نشان داد، با توجه به متن ارائه شده به شرکت‌کنندگان و با در نظر گرفتن میزان تنوع به‌کارگیری لغات مترادف (۱۲ تا ۷۶ لغت) و بررسی پاسخ‌های افراد در سراسر این طیف، این استنباط به عمل

آمد که افرادی که تعداد لغات بیشتری را جهت جایگزینی کلمات استفاده کرده بودند، در مقایسه با دیگر افراد، در بیان کردن جملات به شکل دیگر کمتر به ویژگی‌های «توضیح دادن جمله»، «تغییر دادن معنای جمله»، «حذف کردن عبارات یا جمله» و «تکرار کردن جمله» پرداخته بودند. در مقابل، افرادی که تعداد لغات کمتری را در بیان کردن جملات به شکل دیگر استفاده کرده بودند، در پاسخ‌های آن‌ها پرداختن به «توضیح دادن جمله»، «تغییر دادن معنای جمله» و «حذف کردن عبارات یا جمله» مشهود بود. بنابراین، به نظر می‌رسد کمبود دامنه لغات، احتمالاً به بروز ویژگی‌های منفی در پاسخ‌های افراد در سطح اول تفکر انتقادی منجر شده بود. این یافته‌ها با نتایج فهیم و کمیجانی (۲۰۱۰) و الکایی و تبریزی (۲۰۱۶) همسو است که نشان دادند، دانش لغوی یادگیرندگان و توانایی تفکر انتقادی آن‌ها به طور معناداری با هم همبستگی داشتند و یادگیرندگان با سطح توانایی تفکر انتقادی بالا، دانش لغوی بالایی داشتند. از سویی با یافته زارعی و حق‌گو (۲۰۱۲) همسو نبود که بدان نتیجه دست یافتند که همبستگی معناداری بین سطح مهارت تفکر انتقادی دانشجویان و میزان دانش دستوری و لغوی دانشجویان وجود نداشت. این ناهمسوئی شاید بدین دلیل باشد که در مطالعه این محققان، متن مورد استفاده به زبان انگلیسی بوده است و از آنجایی که فهم مطالب انگلیسی و تسلط بر محتوای آن نسبت به فهم مطالب فارسی که زبان اول ما محسوب می‌شود، سخت‌تر بوده همین امر باعث ایجاد عدم تطابق شده است، چرا که اولین قدم آن است که فرد محتوای متن را درک کند تا در نهایت بتواند آن را به شکل دیگر بیان کند.

در میان ویژگی‌های به‌دست آمده در این سطح، «تغییر دادن معنای جمله»، نیز به عنوان یک ویژگی منفی در پاسخ شرکت‌کنندگان بروز پیدا کرد که احتمالاً بروز این ویژگی به دلیل درک نامناسب از مطلب متن خوانده شده بوده است. در راستای تبیین این یافته، بویلز^۱ (۲۰۱۶)، معتقد است که «خواندن به طور دقیق، مؤثرترین شیوه برای دستیابی به درک عمیق است و به عبارتی خواندن دقیق به معنای خواندن برای یافتن لایه‌های از معنا است که به درک عمیق منجر می‌شود» (بویلز، ۲۰۱۶: ۸۹). بنابراین، می‌توان گفت که احتمالاً این افراد در خواندن دقیق کاستی داشته‌اند، چرا که در طی یک جریان خواندن دقیق است که افراد می‌توانند به معنای درست مطلب دست یابند. بنابراین، طبق یافته‌های به‌دست آمده، میان بیان کردن به شکل دیگر

و خواندن به طور دقیق، رابطه تنگاتنگی وجود دارد. همان‌طور که مک‌کارتی، گاس و مک‌نامارا^۱ (۲۰۰۹)، نیز اذعان کردند، بیان کردن به شکل دیگر بدون شک، در پرورش مهارت‌های خواندن و نوشتن مفید است. همچنین می‌تواند برای کمک به درک، برانگیختن دانش قبلی و کمک به توسعه مهارت‌های نوشتاری مورد استفاده قرار گیرد.

به علاوه، در میان ویژگی‌های فرایند مصاحبه، بروز ویژگی «نقد کردن» در سطح اول تفکر انتقادی، می‌تواند بدین سبب باشد که افراد به پرسش اصلی این بخش از تفکر انتقادی یعنی بیان کردن به شکل دیگر، توجه و تمرکز کافی نداشته‌اند و بیشتر به دنبال موافقت نداشتن با گفته و مطالب نویسنده بوده و اینکه چرا نویسنده چنین چیزی را مطرح می‌کند، جایگزین این مطلب که وی چه چیزی را شرح می‌دهد؟ بودند. در حقیقت مفهوم «نقد» به معنای ایراد گرفتن و مخالفت کردن با مطالب نویسنده و بیان کردن نظر شخصی در پاسخ شرکت‌کنندگان مطرح شده بود که نمایی از یک تفکر قالبی از واژه نقد است که بیشتر بر جنبه منفی امور تأکید داشته است. شایان ذکر است که این مفهوم از نقد با آنچه که در تفکر انتقادی مطرح بوده، متفاوت است. چنان‌چه که طبق دیدگاه پل (۱۹۹۵)، «انتقاد» در تفکر انتقادی به معنای یک قضاوت هدفمند، تحلیل و ارزیابی چیزی است. هدف انتقاد، مشابه هدف تفکر انتقادی، برای بیان نقاط قوت و ضعف، ویژگی‌های خوب و نقص‌ها است.

بر طبق مقایسه میان سه گروه تحصیلی، می‌توان گفت که عملکرد افراد هر سه گروه تحصیلی در ویژگی «معنا کردن واژه» و «تکرار کردن جمله» تا حد زیادی مشابه با یکدیگر بوده است. به واقع در بیان کردن به شکل دیگر جملات، همه شرکت‌کنندگان تا حدودی به معنا کردن لغات توجه کرده بودند، چیزی که هر سه گروه تحصیلی بدان پایبند بودند و این به عنوان یک ویژگی مثبت محسوب می‌شود، اما در عین حال اغلب آن‌ها نیز به ویژگی «تکرار کردن جمله» به عنوان یک ویژگی منفی پرداخته بودند که به نظر می‌رسد که افراد احتمالاً به دلیل کمبود گنجینه لغات، عیناً قسمت‌هایی از جملات و عبارت متن را تکرار کردند.

باید خاطر نشان کرد که با توجه به مقایسه ویژگی‌های مثبت و منفی به دست آمده از پاسخ افراد، در میان ویژگی‌های مثبت، «معنا کردن واژه» در میان سه گروه تحصیلی بیشتر از دو ویژگی دیگر «تغییر ساختار جمله» و «ترجمه کردن با توجه به احساسات فرد» است. ویژگی

«تغییر ساختار جمله» عمدتاً در میان گروه تحصیلی سال اول بیشتر از دو گروه دیگر بوده است. همچنین ویژگی «ترجمه کردن با توجه به احساسات فرد» تنها در میان دو گروه تحصیلی سال دوم و فارغ‌التحصیلان بوده است. در میان ویژگی‌های منفی، به ترتیب ویژگی‌هایی مانند «تکرار کردن جملات» در پاسخ اکثر شرکت‌کنندگان هر سه گروه تحصیلی وجود داشت. گویا افراد با خود می‌پنداشتند که بیان کردن به شکل دیگر به معنای این نیست که صرفاً کل متن را تغییر دهند و عوض کنند و به واقع در برخی قسمت‌ها می‌توانند عین عبارت یا جملات را نیز بیان کنند. پس از آن ویژگی «توضیح دادن جمله» نیز عمدتاً در میان افراد گروه تحصیلی سال اول و دوم بیشتر وجود داشته است. در وهله بعد، ویژگی «عدم توجه به ارتباط بین بندها»، نیز عمدتاً در میان افرادی از گروه تحصیلی سال دوم که در حال تحصیل بوده‌اند، وجود داشته که این به هم پیوستگی را نادیده گرفته بودند. سپس ویژگی «نقد کردن» در میان افرادی از گروه تحصیلی سال دوم بیشتر وجود داشت از آنجایی که در ابتدای مصاحبه، به افراد اطلاع داده شده بود که قصد داریم به سنجش تفکر انتقادی اقدام کنیم، احتمالاً به دلیل چنین پیش زمینه‌ای آن‌ها از سطح نخست تفکر انتقادی فراتر رفته و به ارزیابی سطح چهارم متن پرداخته بودند. ویژگی «تغییر دادن معنای جمله» نیز در میان هر سه گروه تحصیلی به طور مساوی وجود داشت. باید افزود که ویژگی دیگر «حذف کردن عبارت یا جمله» است که کمترین سهم را در میان ویژگی‌های منفی داشته است و عمدتاً در میان افرادی از گروه تحصیلی سال دوم و فارغ‌التحصیلان این ویژگی وجود داشته است.

در مجموع، با توجه به بررسی تمامی ویژگی‌هایی که از پاسخ افراد در این سطح به دست آمد، می‌توان گفت که ویژگی‌های منفی و به ویژه «نادرست معنا کردن واژه»، «تکرار کردن جمله» و «توضیح دادن جمله» در پاسخ افراد هر سه گروه تحصیلی در مقایسه با ویژگی‌های مثبت بیشتر دیده می‌شد که این مطلب بیان‌کننده آن است که مهارت کافی در به کارگیری مؤلفه‌های بیان کردن به شکل دیگر جملات، در میان افراد حاضر در این مطالعه وجود نداشته است. این در حالی است که بیان کردن به شکل دیگر در انجام فعالیت‌ها و تکالیف پژوهشی مانند مقاله‌نویسی و پایان‌نامه‌نویسی یک مهارت اساسی به‌شمار می‌آید. نکته جالب توجه آن است که فراگیری و کاربرد درست این مهارت، می‌تواند دانشجویان را در خصوص مبتلا نشدن به سرقت ادبی آگاه کند، چرا که برخی دانشجویان به دلیل ناآگاهی و نداشتن مهارت به طور

ناخواسته ممکن است دچار سرقت ادبی شوند. بر طبق یافته‌های پژوهش هاینینگرام^۱ (۲۰۱۲)، یکی از مشکلات یافت شده در مقالات تحقیقاتی دانشجویان، سرقت ادبی در بیان کردن به شکل دیگر جملات است، که به نوعی حاکی از وجود یک رابطه میان سرقت ادبی با بیان کردن به شکل دیگر است. بنابراین، می‌توان گفت که با توجه به عدم مهارت کافی افراد هر سه گروه تحصیلی در بیان کردن به شکل دیگر، بر مبنای بیش‌ترین ویژگی‌های رایج و مشترک در بین آن‌ها، آموزش و تقویت این مهارت نوشتاری در دانشجویان نظام آموزش عالی پیش از پیش مطرح می‌شود.

همچنین، یکی از ویژگی‌های برجسته که در بیان کردن به شکل دیگر به دست آمد، «معنا کردن واژه» در دو طیف درست و نادرست بود. با توجه به آنکه معنا کردن واژه به صورت نادرست در پاسخ شرکت‌کنندگان نمود چشمگیری داشت و از سویی حتی شرکت‌کنندگانی که به صورت درست نیز واژه‌ها را معنا کرده بودند میزان تنوع دامنه لغات آن‌ها زیاد نبود. همچنین بر مبنای ویژگی «تغییر دادن جمله»، که از پاسخ شرکت‌کنندگان به دست آمد و عمدتاً حاکی از ضعف در معنا کردن لغات است. لذا به عنوان یک گام اساسی در بهبود این مهارت، به دانشجویان توصیه می‌شود به تقویت دامنه لغات خود از طریق خواندن کتب، روزنامه، مجلات، فرهنگ‌نامه، لغت‌نامه و متون تخصصی در رشته‌های تحصیلی خودشان اقدام کنند. براساس ویژگی «تغییر ساختار جمله» که به عنوان یک ویژگی مثبت در پاسخ معدودی از شرکت‌کنندگان به دست آمد، به نظر می‌رسد تقویت و فراگیری آیین نگارشی (قواعد نحوی و دستوری، تشخیص جملات خبری از امری، آشنایی با اجزای جملات) به منظور تقویت مهارت بیان کردن به شکل دیگر برای اکثر دانشجویان اقدامی مبرم و ضروری است. بر مبنای دو ویژگی «تکرار کردن جمله» و «عدم توجه به ارتباط بین بندها»، که از پاسخ شرکت‌کنندگان به دست آمد، به نظر می‌رسد دو مؤلفه عدم توجه و تمرکز دقیق بر روی فرایند پاسخ‌گویی به سؤالات، احتمالاً نقش توجه برانگیزی را در بروز این ویژگی‌ها میان شرکت‌کنندگان داشته است. بنابراین، توصیه می‌شود که دانشجویان تمرین‌ها و تکنیک‌های اصولی را در زمینه افزایش تمرکز و توجه به کارگیرند و از این طریق نیز عملکرد خود را در انجام دادن تکالیف درسی بهبود ببخشند. بر طبق دو ویژگی به دست آمده دیگر از پاسخ‌ها، «توضیح دادن جمله» و

«حذف کردن عبارت یا جمله»، می‌تواند حاکی از ناآشنایی شرکت‌کنندگان با مفهوم بیان کردن به شکل دیگر باشد. بر همین اساس آموزش پرهیز از ویژگی‌های منفی در بیان کردن به شکل دیگر جملات، توصیه می‌شود. علاوه بر این بر مبنای ویژگی «نقد کردن» که از پاسخ شرکت‌کنندگان به دست آمد، گویا مفهوم انتقاد اغلب بر اساس یک تفکر قالبی از واژه نقد به مثابه عیب‌جویی و ایرادگیری و بیان ضعف‌ها و نادیده گرفتن محاسن است که در میان پاسخ شرکت‌کنندگان دیده شد. لذا در سطح خرد، در وهله اول، نقدپذیری به شیوه درست، از بستر نظام آموزشی باید تقویت شود. در این راستا اساتید با آگاه کردن افراد از معنای درست نقد در تفکر انتقادی و فراهم آوردن فضایی برای گفتگو در این باب، می‌توانند به آموزش این مهارت کمک کنند. در نهایت با توجه به اهمیت این مطلب که آموزش این مهارت، نقش اساسی را در بهبود کیفیت ارائه دروس تحصیلات تکمیلی بالاخص واحد پایان‌نامه‌ها دارد، توصیه می‌شود در ساختار کلاسی، اساتید و مربیان با ارائه کردن تمرین‌هایی مرتبط با این مهارت، در دروسی هم‌راستا با آموزش فعالیت‌های پژوهشی مانند درس روش تحقیق یا در کلاس‌های ویژه نوشتن مقالات علمی برای دانشجویان اقدام کنند. به علاوه به منظور شناسایی دقیق‌تر وضعیت تفکر انتقادی دانشجویان، بررسی مهارت بیان کردن به شکل دیگر، از طریق نمونه تکالیف و فعالیت‌های انجام شده توسط دانشجویان مانند گزارش مقالات، پایان‌نامه‌ها و دیگر تکالیف پژوهشی توصیه می‌شود.

منابع

- استانداردهای ملی دوره پزشکی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶). وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تهران: دبیرخانه شورای آموزش پزشکی عمومی.
- جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره و عبدلی، افسانه (۱۳۸۹). روند تحول تفکر انتقادی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. *فصلنامه مطالعات تربیتی روان‌شناسی*، ۱۱ (۲): ۱۲۰-۱۰۳.
- خدامرادی، کزال، سیدذاکرین، منصوره، شهابی، مرضیه، یغمایی، فریده و علوی‌مجد، حمید (۱۳۹۰). مقایسه میزان مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان ترم اول و ترم آخر مقطع کارشناسی پیوسته رشته‌های منتخب دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران. *مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی*، ۲۱ (۲): ۱۴۰-۱۳۴.
- عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمدسعید، فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی*، ۵ (۲): ۱۹۸-۱۵۱.
- گال، مردیت دامین، بورگ، والتر و گال، جویس (۱۳۹۴). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی جلد ۲*. ترجمه احمدرضا نصرآصفهانی و همکاران. تهران: سمت.
- معلائی مزرعی، زهرا، رسولی‌آزاد، محمدرحیم و مکنوندی، بهنام (۱۳۹۲). بررسی میزان مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان. *فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی*، ۲ (۱۸): ۳۵-۲۷.
- ولوی، پروانه، باقرپور، سمیه و شهنساری، جواد (۱۳۹۵). بررسی تفکر انتقادی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه. *فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۱۳ (۴۹): ۱۹۲-۱۸۴.
- هاشمی، سهیلا، صالحی‌عمران، ابراهیم و کرمخانی، زینب (۱۳۹۳). تفکر انتقادی حلقه مفقوده نظام آموزش عالی: بررسی مهارت تفکر انتقادی دانشجویان و چگونگی آموزش آن از سوی اساتید. *فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۸ (۲۷): ۹۹-۱۲۳.
- Association of American Colleges and Universities. (2017). On solid ground: VALUE report 2017. Retrieved from <https://www.aacu.org/sites/default/files/files/FINALFORPUBLICATIONRELEASEONSOLIDGROUND.pdf>.
- AbediJafari, H., Taslimi, M. S., Faghihi, A. and Sheikhzadeh, M. (2011). Thematic Analysis and Thematic Networks: A Simple and Efficient Method for Exploring

- Patterns Embedded in Qualitative Data Municipalities. *Quarterly Journal of Strategic management thought*, 5(2): 151-198 (Text in Persian).
- Butler, H. A., Pentoney, C. and Bong, M. P. (2017). Predicting real-world outcomes: Critical thinking ability is a better predictor of life decisions than intelligence. *Thinking Skills and Creativity*, 25: 38-46.
- Blaich, C. and Wise, K. (2011). From gathering to using assessment results: Lessons from the Wabash National Study. Wabash National Study of Liberal Arts Education. Retrieved from http://learningoutcomesassessment.org/documents/Wabash_001.pdf.
- Boyles, N. (2016). *Closing in on close reading*. In M. Scherer (Ed.), *On Developing Readers: Readings from Educational Leadership, EL Essentials* (pp. 89 – 99). Association for Supervision & Curriculum Development (ASCD).
- Ennis, R. H. (1993). Critical Thinking Assessment. *Theory into Practice*, 32(3): 179-186. doi:10.1080/00405849309543594.
- Fahim, M. and Komijani, A. (2010). Critical thinking ability, L۲ vocabulary knowledge, and L2 vocabulary learning strategies. *Journal of English Studies*, 1(1): 23-28.
- Facione, P. A. (1990). *Critical thinking: A statement of expert consensus for purposes of educational assessment and instruction*. Millbrae, CA: The California Academic press.
- Facione, P. A. (2015). *Critical thinking: What it is and why it counts. Insight Assessment*, Retrieved from https://www.academia.edu/11052756/_Critical_Thinking_What_It_Is_and_Why_It_Counts.pdf.
- Faramarzi, S., Elekaei, A. and Tabrizi, H. H. (2016). Critical Thinking, Autonomy, and Lexical Knowledge of Iranian EFL Learners. *Theory and Practice in Language Studies*, 6(4): 878-885.
- Field Maalai, Z., Rasooli Azad, M. R. and Makkandi, B. (2014). Surveying the Degree of Critical Thinking Skills of M. A. Students of Librarianship and Information of Science and Research Branch of Islamic Azad University, Khouzeestan. *Quarterly Journal of Educational administration Research*, 2(18): 27-35. (Text in Persian).
- Gojkov, G., Stojanović, A. and Rajić, A. G. (2015). Critical thinking of students—indicator of quality in higher education. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 191: 591-596.
- Gall, M., Borg, V. and Gall, J. (2005). *Quantitative and qualitative research methods in Educational Science and Psychology*. Translation by Ahmad Reza Nasr Isfahani et al. (2017). Tehran: Samt. (Text in Persian).
- Hart Research Associate. (2016). *Trends in learning outcomes Assessment: key finding from a survey among Administrators at AAC&U Member Institutions*. DC: Association of American Colleges and Universities.



- Halpern, D. F. (2003). *Thought and knowledge: An introduction to critical thinking* (4th ed). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associate.
- Hayuningrum, H. (2012). *Student's problems in writing paraphrases in research paper writing class* (Doctoral dissertation, Sanata Dharma University).
- Honey, P. (2000). CT questionnaire. Retrieved from <http://www.PeterHoneyPublications.com>.
- Hashemi, S., Salehi Omran, I. and Karamkhani, Z. (2015). Critical Thinking the Lost Loop of Higher Education: A Study of Student's Critical thinking and the Quality of its Education by University Professors. *Quarterly Journal of Research in Educational Systems*, 8(27): 99-123. (Text in Persian).
- Javidi Kalateh Jafarabadi, T. and Abdoli, A. (2010). Critical thinking skills of students in the baccalaureate program in Ferdowsi university of Mashhad. *Quarterly Journal of studies in education & psychology*, 11(2): 103-120. (Text in Persian).
- Ku, K. Y. (2009). Assessing students' critical thinking performance: Urging for measurements using multi-response format. *Thinking skills and creativity*, 4(1): 70-76.
- Khodamoradi, K., Seyed Zakerin, M., Shahabi, M., Yaghmaiee, F. and Alavi Majd, H. (2011). Comparing critical thinking skills of first – and last -term baccalaureate students of nursing, midwifery and occupational therapy of medical Universities of Tehran city. *medical sciences Islamic azad university*, 21(2): 134-140. (Text in Persian).
- Liu, O. L., Frankel, L. and Roohr, K.C. (2014). Assessing critical Thinking in Higher Education: current state and Directions for Next-Generation Assessment. *ETS Research Report series*, 14(10), 1-23.
- Lai, E. R. (2011). Critical thinking: A literature review. Retrieved from <http://images.pearsonassessments.com/images/tmrs/CriticalThinkingReviewFINAL.pdf>.
- Marton, F. (1986). Phenomenography: A research approach to investigating different understandings. *Journal of Thought*, 21(3), 28–49.
- McCarthy, P. M., Guess, R. H. and McNamara, D. S. (2009). The components of paraphrase evaluations. *Behavior Research Methods*, 41(3), 682-690.
- Paul, R., Elder, L. and Bartell, T. (1997). *California teacher preparation for instruction in critical thinking: Research findings and policy recommendations*. Sacramento, CA: California Commission on Teacher Credentialing.
- Paul, R. (1995). *Critical thinking: How to prepare students for a rapidly changing world*. Santa Rosa, CA: Foundation for Critical Thinking.
- Paul, R. and Elder, L. (2008). *The miniature guide to critical thinking: Concepts & tools*. Dillon Beach, CA: Foundation for Critical Thinking.
- Paul, R. and Elder, L. (2012). *The international Critical Thinking Reading &*

- Writing Test* (How to Assess close Reading and Substantive Writing) (2th ed). Dillon Beach, CA: Foundation for Critical Thinking.
- Paul, R. and Elder, L. (2014). *Critical thinking: Tools for taking charge of your professional and personal life*. Upper Saddle River, NJ: Pearson Education FT Press.
- Parrouy, J. (2016). *Philosophy of education and critical thinking*. USA, North Carolina: Lulu Publishing Company.
- Padmanabha, C. (2018). Critical thinking: Conceptual framework. *Journal on Educational Psychology*, 11(4), 45- 53.
- Public Medical course national standards of the Islamic Republic of Iran (2016). *Ministry of Health, therapy and Medical Education*. Tehran: Secretariat of the General Medical Training Council. (Text in Persian).
- Reed, J. H. (1998). *Effect of a model for critical thinking on student achievement in primary source document analysis and interpretation, argumentative reasoning, critical thinking dispositions, and history content in a community college history course* (Doctoral dissertation, University of South Florida).
- Valavi, P., bagherpour, S. and shahsavari, J. (2017). Examining critical thinking in University graduate students. *Quarterly Journal of Research in curriculum planning*, 13(49), 184-192. (Text in Persian).
- Watson, G. and Glaser, E. M. (2008). *Watson-Glaser critical thinking appraisal: short form manual*. Upper Saddle River, NJ: Pearson Education.
- Zarei, A. A. and Haghgoo, F. (2012). The relationship between critical thinking and L2 grammatical and lexical knowledge. *English Linguistics Research*, 1(1), 104-111. doi:10.5539/elr.v1n1p104.

پیوست (ابزار پژوهش)

سطح اول: بیان کردن به شکل دیگر جمله به جمله متن

دستورالعمل: معنای هر جمله‌ای را که خواندید، به زبان خودتان بیان کنید.

آیا عشق، هنر است؟ اگر چنین باشد پس به دانش و تلاش نیاز دارد.

یا اینکه آیا عشق، شور لذت‌بخشی است که تجربه آن، بخت و اقبال می‌خواهد، چیزی که

اگر کسی "گرفتارش شود"، "خوش‌شانس" است؟

بدون شک، امروزه اکثر مردم به پیش فرض دوم اعتقاد دارند، اما این کتاب کوچک بر

مقدمه اول مبتنی است.

البته چنین نیست که مردم عشق را بی‌اهمیت تصور کنند. مردم، گرسنه عشق هستند؛ آن‌ها

به شمار بی‌پایانی از فیلم‌هایی که داستان‌های عاشقانه شاد یا غم‌انگیز دارند نگاه می‌کنند و به

صدها ترانه عاشقانه مهمل گوش می‌کنند- اما کمتر کسی فکر می‌کند که درباره عشق،

چیزهایی هم وجود دارد که باید آن‌ها را یاد گرفت.

این نگرش عجیب بر چند فرض مبتنی است، که هر کدام به تنهایی یا در ترکیب با هم، از

این نگرش پشتیبانی می‌کنند. بیشتر مردم موضوع عشق را در درجه اول، دوست‌داشته شدن

می‌دانند نه عشق‌ورزیدن و توانایی دوست‌داشتن. پس مسأله آن‌ها این است که چگونه

دوست‌داشته شوند و چگونه دوست‌داشتنی باشند.

آن‌ها برای رسیدن به این هدف، چند راه را در پیش می‌گیرند. یکی از این راه‌ها که به

ویژه، توسط مردان استفاده می‌شود موفق بودن، قدرتمند بودن و ثروتمند بودن تا جایی است

که جایگاه اجتماعی فرد به او اجازه می‌دهد. راه دیگر که بیشتر توسط زنان استفاده می‌شود این

است که فرد خود را از طریق رسیدن به بدن، لباس و مواردی از این دست، جذاب کند.

تقویت رفتارهای خوشایند، خوش‌صحبتی، مفید بودن، تواضع داشتن و مؤدب بودن از

جمله راه‌های دیگر جذاب بودن است و هم مردان و هم زنان از آن‌ها استفاده می‌کنند. بسیاری

از راه‌هایی که برای دوست‌داشتنی کردن خود استفاده می‌شود همان راه‌هایی است که برای

رسیدن به موفقیت استفاده می‌شود چون هر دو، بر پیروز شدن بر دوستان و نفوذ در مردم

مبتنی هستند. به عنوان یک واقعیت، در فرهنگ ما منظور مردم از دوست‌داشتنی بودن، ترکیبی است از محبوب بودن و داشتن جذابیت جنسی.

ماهیت فعال عشق در این واقعیت آشکار می‌شود که عشق به طور تلویحی حاوی چند عنصر بنیادی است که در تمامی انواع عشق مشترک است. این عناصر مراقبت، مسئولیت‌پذیری، احترام و دانش هستند..... عشق یعنی اهمیت دادن فعالانه به زندگی و رشد چیزی که به آن عشق می‌ورزیم.

احترام، توانایی دیدن شخص به آن شکلی که هست و آگاه بودن از فردیت یگانه او دلالت دارد. احترام یعنی فرد دیگر باید بتواند آن‌گونه که هست، رشد کند و شکوفا شود. بنابراین در احترام، استثمار جایی ندارد. من از فردی که به او عشق می‌ورزم می‌خواهم به خاطر خودش و به روش خودش، رشد کند و دنبال این نیستم که رشد کند تا در خدمت من باشد.

بدیهی است که احترام فقط زمانی امکان پذیر می‌شود که من به استقلال رسیده باشم. من زمانی می‌توانم عشق بورزم که بتوانم بدون عصا، روی پای خودم بایستم و راه بروم و دنبال سلطه و استثمار یک انسان دیگر نباشم. احترام فقط با تکیه بر آزادی است که وجود پیدا می‌کند: همان‌طور که یک سرود فرانسوی قدیمی می‌گوید "عشق فرزند آزادی است" و به هیچ‌عنوان، فرزند سلطه نیست.

عشق به یک شخص، فقط یک احساس قوی نیست - یک تصمیم است، یک قضاوت است، یک پیمان است.



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

Assessing the first Level of Critical Thinking among Graduate students: Paraphrasing

Zahra Moradi Najaf Abadi¹, Maryam Mohsenpour*²

and Alireza Kiamanesh³

Abstract

Considering the importance of critical thinking as one of the important outputs of higher education system, assessing this cognitive competency among students can provide valuable information. Therefore, the purpose of this study was to assess paraphrasing as the first level of critical thinking based on Paul and Elder Framework (2012) among the graduate students in the field of educational psychology. This research was carried out with a qualitative approach, with phenomenography method. 15 Participants were assessed from graduate students of educational psychology in the three academic groups: freshman, sophomore and graduate of Alzahra University in the academic year of 2018 - 2019, in terms of their voluntary willingness to cooperate. The students were requested to read a text from a book entitled "Art of Loving" and then paraphrase the text with their own words and phrases. Data collected in two parts of written responses and interviewees' comments were analyzed based on the Thematic content analysis method. The findings of the research in six attributes relating to written responses include changing the sentence structure, meaning of vocabulary, repeating the sentence, changing the meaning of sentence, describing and deleting the phrase or sentence, and the three attributes relating to the interview process, including translation in accordance with individual's feelings, lack of attention to the connection between the parts and the critique. Based on the findings, the participants had a major weakness in the skill of paraphrasing. Therefore, it is advisable to take steps to train this skill and determine criteria for raising it.

keywords: Paraphrasing, Critical thinking, Assessment in Higher Education, Graduate Students

1. M.Sc. Student in Educational Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. Zahramoradi710@yahoo.com

2. *Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Educational Psychology, Faculty of Science and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. m.mohsenpour@alzahra.ac.ir

3. Professor, Department of Counseling, School of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.drarkia@gmail.com

- This article is excerpted from a master's thesis by the first author.

DOI: 10.22051/JONTOE.2019.26372.2677

<https://jontoe.alzahra.ac.ir>